



روزنامه کارگران انقلابی ایران - تهران

پیام کارگر

شماره
۷۳
پهلو، عادل، م. بهار

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال چهارم نیمه اول مهر ۱۳۶۹

گزارش کارسومین

کنفرانس سازمان خارج از کشور

کنفرانس سوم سازمان خارج از کشور بنا برروال سالانه خود در اواسط شهریورماه برگزار شد. کنفرانس سوم از جهت تدارک قبلی، نحوه گردش کار، سازماندهی بحثها و جمع بندی آنها یک نقطه عطف در فعالیت سازمان خارج بشمار می آید. دو ماه قبل از برگزاری کنفرانس پیش نویسی گزارش کار و طرح برنامه سال آینده در اختیار حوزه های حزبی قرار گرفت. سازماندهی دو دور بولتنهای بحث پیرامون این اسناد حوزه های سازمان خارج فرصت یافتند در مجامع عمومی خودجواب تب گوناگون براتیک یکساله سازمان خارج را مورد بررسی و نکاتشان قرار داده و نقاط ضعف و قوت کار را با وضوح بیشتری دریاوند. پیش نویسی گزارشات کمیته خارج علاوه بر اینکه واجد جمع بندی فشرده فعالیت یکساله بود، درحظرات اکثریت و اقلیت ک.خ سابق این امکان را فراهم میکرد تا سایه روشنها نظرسری موجود در ارگان کمیته خارج در معرض داوری جمعی فعالین سازمان خارج قرار گیرد. این خصلت گزارشی واقع زمین مناسبی بود تا هر چه بیشتر امکان برخوردار آرا فراهم گردد و گفتاورها در متن آگاهی های بیشتری شکل پذیرد. نکته مثبت دیگر در گزارشات ارائه شده، پیوندزنده آنها نه تنها با برنامه کار قبلی که علی القاد ازه باید چنین میبود، بلکه همچنین در ارتباط با برخی از مباحث کنفرانس بود، که بعضا مهم مانده و یا خوب دریافت نشده و یا به اجمال فرو گذاشته شده بودند. قرار داشت این امر آن ستر مناسبی را پدید آورد که درپرتو

آن راستای عمومی فعالیت و نقطه نظرات مختلف حول آن، نه صرفا در محدوده یکساله بلکه در چشم انداز وسیع تری مورد توجه قرار گیرد و انقباض روشنتری را برای تصمیم گیری و نحوه هدایت سازماندهی فعالیت پدیدآورد. بحثها از این لحاظ که ترسیم خط آینده را در پرتو تحلیل و تبیین مسائل گذشته رقبزه و تصمیم عمومی تری از وظایف و مسئولیتها را مبسب گردید، به نوبه خود، کلیات از بلوغ و بینش یخته سازمان خارج ما میکند. البته این نکته نیز گفتن دارد که اظهار نظرهای هجده در چهار جوب مسائل خاص سازمان خارج محدود نماندند و گستره وسیع تری را نیز دربرگرفت: از بحران سوسیالیسم موجود تا بحران خلیج تا وظایف سازمان مرکزی در قبال این مسائل و... هرچند این موضوعات، راستای اصلی کار کنفرانس را بهیچ وجه تحت الشعاع قرار ندادند، ولی در همان حد خود میبایست رویکرد سیاسی مسئولان اعضا سازمان خارج نسبت به تحولات شگرف و با اهمیت تعیین کننده سیاسی در سطح جهان و منطقه است. لیکن آنچه که باید با تاکید بیشتر مورد اشاره قرار گیرد آن حس مسئولیت عمیقی است که کنفرانس از خود نشان داد. آنجا که دامنه بحث به وظایف خطیری کشید که در این لحظات حساس پیروزه در رابطه با مسائل بحران خلیج در مقابل سازمان ما قرار گرفته است. همدلی و ابراز آمادگی بی دریغ برای باری رساندن در همه زمینه های مورد نیاز سازمان مرکزی نقطه اوج این احساس **بقیه در صفحه ۳**

این قصه سردراز دارد

هشون خون شهید کاشف بور سر حاک سرمیسن ترکیه حنک شده بود که دستان نامکار توطئه از طریق ارسال یک بمب باکتی به قصد ترور یکی از رهبران سابق حزب دمکرات کردستان ایران، همسر او را که بجای شوهرش باکت مفکور را باز میکند، به شهادت میرساند و اندوهی ماندگار را بر قلبهای جوان دو دخترش برجای میهد. زخمی دایر با نیز بر جان دول شوهرش که سوزی اصلی او سو قصد بدفترجام بوده است. در ایسن میان البته فقط یک خانواده داغدار نیست، که در سوگ عزیز خود به ماتم نشسته است. بلکه همه بینندگان تلویزیونی سوگند که تصاویر فاجعه مزبور را به عینه مشاهده کرده اند، سوگند آن کسانی که در تاریخ ۲۲ سپتامبر در تحلیل از خاطره آن شهید، ما طبل و کل و اسنک در شهر، تهران، راهیمیایی کرده اند، و فراتر از این. همد ایرانیان آزاده که این خبر هولناک را شنیده اند، نسیز دچار به میانه شده اند. بر جنایتکارانی که با قساوت نقشه قتل و نابودی دیگران را می کشند نفرت و نفرتیسن خود را ننارز کرده اند، خو بست که انکار عمومی غریبها هر چه بیشتر از ما همد، بلند جمهوری اسلامی آگاهانه شوند، و بر نامه تلویزیونی سوگند، کاهی هر چند کوچک در این راستاست، و باید کوشید که چهره رژیم خونریز، بازم هر چه بیشتر در اینجا و آنجا افشا شود. اما برای ما که گریختگان از جنم ققیبان هستیم یک مسئله همچنان باقی است:

- اینک یک قربانی دیگر! فردا نوبت کیست؟
- در برابر این زنجیره ترور هله ما چه میکنیم؟
- خانم عفت قاضی آخرین نفری است که قربانی توطئه شوم و سیاه جمهوری اسلامی شده است. فردا، اما نوبت شامت. فردا نوبت من است، فردا نوبت آن دیگری است. و همسپواری آخر! تا کجا؟ تا جاشکه هیچ تشابه های جرئت نق کشیدن نداشته باشد، تا

برنامه اصلاحات اقتصادی در شوروی

(طرح شانلین)

شورای عالی اتحاد شوروی اخیرا از چندین نشست جنجال آیسر، درموکدنا به "اقتصاد بازار" در شوروی سراجام به آن رای داد. پیش درآدمان رای گیری ی مباحثاتی بود که بر سر دو طرح آلترناتیوا اقتصادی، یکی طرح معروف یونسه آکادمیسن شانلین که توسط کمیسیون موهیبری وی تهیه شد و دیگری طرح هیئت دولت شوروی کارل یگلسرف آبالکین. مسوون سخت وزیر شوروی عرفه شده صورت گرفت. در جریان این مباحثات طرح سوسیالیست توسط آکادمیسن مشاور اقتصادی گورباچف عرفه شده که حاوی عناصری از هر دو طرح اصلی است. شورای عالی اتحاد شوروی به پیشنهاد گورباچف، سماجوروی گیری نهایی را مواءم با سه کنسرویگول کرده قرار ندادن نمود. کمیسیون دیگری رسه مسئولیت وی، طرح جامعی تهیه کند. ما در این نوشته سه شرح و تبیین بر سر این دو طرح شانلین بر داخه نویسی

میکنیم حتی الامکان بدون وارد شدن در تحلیل دقیق این طرح. اطلاعات مفیدی در مورد او در مورد مکتوبات عمومی اقتصاد شوروی در اختیار خوانندگان قرار دهمیم. بنیای این مقاله اطلاعات مندرج در مجله جوب جدید چاپ مسکو شماره ۲۵۰ سال میلادی جاری است. برنامه انتقال سریع اقتصاد شوروی به اصول بازار " که توسط کمیسیون شانلین تهیه شده است دارای دو بخش اصلی است. بخش اول اصول شنای وجهات بازسازی اقتصادی تشریح شده در بخش دوم، برنامه اجرایی زمانبندی شده ای آماده است که بر طبق آن در طی ۵۰۰ روز بازسازی اقتصاد صورت میگیرد. در بخش اول این مکتوبات آمده است: تصمیم حقوقی کلمه اشکال مالکیت و کلیه اشکال **بقیه در صفحه ۱۵**

بقیه در صفحه ۲

"چنددهه مبارزه"
کفایتگویی رودر برابر رضا مرزبان
در صفحه ۵
(قسمت هفتم)

پیام دفتر سیاسی به سومین
کنفرانس سازمان خارج از کشور
در صفحه ۹

این قسه ...

ادما ز منغه!

چاشکبه همه نعلالین، ماس ماها را گسه کنند و بسان سپره های رام و آرام و سر زیر افکنند و آختهه برون، آختهه ساینه و بگنارید در زمیل پوسهت ایرون جانویاسی در هیئت آدمیان مال و جان و عرف مردم را بغارت برسند! هدف جمهوری اسلامی از ندادوم نیرو مخالفین خسود در خارج از کشور رؤس است: ایجاد جور عب و وحشت در میان صفوف اپوزیسیون و ازمین سیاست را بی خواهند گرفت، تردیدی نیست شرمید نکشد!

خوب اگر مسئله تردید بردار نیست، بی ناسد اقامی کرد، اقداماتی، اگر به لیت ترور شدگان در اس سالها نظر نکنند، خواسید دید گسایندگه ترور شده ساد گروههای مختلف اپوزیسیون بوده اند، بی شک آنها س از تفرقه غفور اپوزیسیون اطلاع دارند، بی شک "نارک" اندیشناسان میترزم"، از آفت گروه مداری فرقه ها آگاهی دارند، میدانند که هر ملل تروریستی، اساسا اعتراضات فعالین آن سازمانی را بر خواهد انگیزت، که فرد ترسور شده وابسته به آن سازمان بوده است، بی شاخه ها را جدا جدا از هم راحتتر میتوان شکست، این است که جدا جدا از این بی آن سازمان، بلغمه خود را انتخاب میکند و سر به را فرود می آورد، غرض ما آن نیست که اپوزیسیون یک تن واحد شود، چنین چیزی نه شدنی است و نه درست است.

اما میشود اعتراضی علیه سیاست ترور را کاتالیزه کرد. حداقل میشود در طیفهای همگون چنین کرد: پس در کام اول باید هماهنگه عمل کنیم. اقدامات جداگانه از بیسها را هرز میرسد، لیکن در حرکت دستجمعی از بیسها ذخیره شده و در موقع مناسب کارائی بیشتری خواهد داشت. ما خود تا اس وقت در این چنین همکاریهای دراز میکنیم. در عین حال منتظر همکاری مورد نظر هم نبایم، ما نیز چون سپهر حال این چنین همکاریهایی تا تحقق نیسرد، نیاز به زمان دارد، پس فرصتها را نباید سوزاند. و سه دشمن نباید مجال داد تا ترسه دیگری وارد کند. فعالین سازمان ما و همه آنها شکبه که اهمیت مسئله واقفند باید بی تردید دست به کار شوند. سازماندهی انکسال چنانگون مبارزه علیه سیاست ترور رژیم جمهوری اسلا می در خارج از کشور باید در دستور مرم و فوری همه تشکلهای مخالف، سازمانها قرار گیرد. راههای عملی همکاری مقدور و ممکن و شوههای موثر افشای سیاست جنایتکارانه رژیم بویژه در رابطه با افکار عمومی کشورها میزبان باید مورد توجه باشد. ما از هر ایده و پیشنهادی که روشنائی بیشتری به پیشبرد ایسن مبارزه میافکند استقبال کرده و در صورت لزوم آنسرا در نشریه پیام کارگر بازتاب خواهیم داد.

جمهوری اسلامی بر موضع ندادوم سیاست ترور در خارج از کشور همانگونه که در داخل کشور، همچنان پای ای شرفد، پس این قسه سر فراز دارد. ما چه میکنیم؟

نامه های از ایران ...

... هوا اینجا چون سابق ابری است و دنیا همچنان بر وفق آغوشها، ابری که دیری نخواهد پایید. تا کنون از قبل جنگ و جنگ زدگان مجبورند، اخبار از قبل زلزله و زلزله زدگان، در بازار تهران و شهرستانها از بیسها خارجی فراوان دیده میشوند، بخصوص البسه سرد میگویند همه اینها اهدایی کشورهای خارجی هستند که به جای ارسال به کیلان و زنجان سر از بازارها در آورده اند من خود چادری دیدم که در بده که در بازار سر فروش میروند جالب اینست که بدانی هیچ چیز بد بخوری به زلزله زدگان نداده اند، کمک به این افراد همان چیزی است که مردم مستقیما به ایشان داده و یا میدهند، خوب نتایج زدن بر تن و دختران زلزله زده نیز شروع شده است. درست به همان شکلی که با نهضت کشته شدگان در جنگ و جنگ زدگان برخورد میشد، در بین زلزله زدگان اول می خوردند، "لقمهای قرب" برای "سینه" میجوید. ... گرانئی نیز دعار از روزگار مردم در می آورد. فحشا نیز زیاد شده، حتی زیادت و علنی تر از زمان رژیم شاه. در قم تواء عبدالنظیم تعداد "میتهها" فراوانند، چه بسا نهضت شوهردار نیز برای گذران زندگی تن به کیفیه شدن میدهند، حال خودت مشکی قاجحه گرانئی و کرسنگی پنهان را حسن بزین.

... بیکر و بینه نیز دوباره زیاد شده است. هر کس سابقه فعالیت سیاسی داشته باشه دوباره فراخواه نده میشود، بسیاری را چند ساعت بعد مرخص میکنند ولی در این میان کسانی نیز ماندگار شده اند، علت دستگیری معلوم نیست رژیم هم میترسد وهم میترساند از جماعت خوشان را نیز زیاد دستگیر کرده اند. حجت الاسلام سرفراری را گرفته اند او قدر قدرتی در تهران بزرگ بود و عضو هیئت اجرایی جامعه روحانیت مبارز و یکی از چهار مسئول این جامعه در تهران و پیشنهاد مسجد جعفری گمشا، حرم حضرت فام اخلاقی بوده است. از من محمد طیف شخص دیگری بنام محمد نظیمی دارای دفتر ازدواج وطلاق در یوسف آباد دستگیر شد. و قبل از اینها عبدالرنا حجازی و برادرش عبدالرسول حجازی نیز دستگیر شده بودند، عبدالرنا اعدام میشود، روحانی دیگری به نام آل اسحق از مجتهدین شسرق تهران را به بهانه مخالفت با مضمون نامه خمینی سه گورباچف و انتشار رده علیه آن، که فلا دستگیر کرده بودند، اخبار بی از یکسال آب خنک خوردن، خلص لباس کرده و با این التزام که سپران را ترسند، آزاد می کنند.

... جماعت کتابخوان رویه فزونی است. کتاب خ خوب بیش از چند روز در بازار نماند، یا مشتری میخرد و یا اینکه غدهای میخردند و در انبار میگذارند تا بعدا باسی بویژه که از چاپ در آمد، دست اندر کاران چند تقدسه این کتاب نوتشوند، نتیجه آن شد که این کتاب نه تنها دیگر در دسترس کتابفروشیها یافت نمشود بلکه همه در جستجوی هستند تا حداقل اماتنی هم که شده آنرا از کسی بگیرند و بخوانند، همه چیز رژیم دارد بر شد خودی تمام میشود. کتابهای سیاسی را در نشرهای با لاج میکند و چون در کتابفروشیها خریدار ندارند، به کامیخانه های عمومی میفرشند و در مقابل کاغذ در اخبار انتشار اینها نمیکارند و ...

در ارتباط با ترور ناجوانمردانه خانم عفت قاضی



خانم عفت قاضی همسر یکی از رهبران نهضت مقاومت خلق کرد، قربانی یک ترور ناجوانمردانه شد. بمبی در صندوق پستی او گذارند، برای آنکه همسرش را به قتل برسانند اما او بجای همسرش به شهادت رسید. اگرچه مفارت جمهوری اسلامی در این جنایت هولناک انکار کرده است، اما اقدامات تروریستی وسیع جمهوری اسلامی در خارج از کشور در چند سال اخیر، کشتار رهبران خلق کرد در انریش، قبرس، عراق و ترکیه، کشف بخشی از توطئه های شبکه وسیع ارتباطی سفارت رژیم اسلامی در کشورهای مختلف و ... سفارت جمهوری اسلامی را در انتظار همه در جایگاه منته رفیع اول می نشانده، بویژه که بحران خلیج، افکار مردم جهان را متوجه خود کرده است و جمهوری اسلامی هرگز چنین موقعیتهایی را برای بیکری توطئه های کثیف خود از دست نمیدهد.

مقامات مسئول سوئد: شما گفته بودید که هیچ مانع اخلاقی در راه گسترش روابط ایران و سوئد وجود ندارد! این هم بسکه مانع اخلاقی دیگر! - اگر گروهی دستجمعی زندانیانی که بدون محاکمه اعدام میشوند کافی نیست! - اگر ستمکار کردن زنان در خیابانها کافی نیست! - اگر اداامه یک جنگ هشت ساله که یک میلیون قربانی بجای گذارد و حداقل در چهار سال آخر رژیم ارتدادی مستقیما مسئول اداامه آن بود، کافی نیست! - اگر آواره کردن میلیونها ایرانی از وطنشان کافی نیست! - اگر اقدام به ترور جوانان ایرانی در حین تظاهرات روز قهر در میدان مرکزی شهر استکهلم کافی نیست! - اگر ترور بیبنده شما غلام کامروز کافی نیست! آیا قتل زن سنگاهی که از شما نامین خواسته بود هم کافی نیست تا راول در مظان اتهام قرار دهد! آیا وقت آن نیست که سفارت جمهوری اسلامی ایران را که به لانه جنایتکاران تبدیل شده مورد تعقیب قرار دهید! ما نحن محکوم کردن آن جنایت کثیف و تسلیت به خانواده آن شهید و بویژه همسر خانم عفت قاضی باریگر از مقامات و ارکانهای مسئول در سوئد میخواستیم به تحقیق جدی در مورد نقش سفارت جمهوری اسلامی در اقدام تروریستی تیر برداشته و با سنسن سفارت رژیم اسلامی ایران مانع آن شوند که عمال رژیم ایران همه قوانین دمکراسی را در جهان به سخره گرفته و این جنس آزادانه دست به جنایت بزنند!

سازمان کارگران انقلاب میسران (راه کارگر) واحد استکهلم ۹/۶/۱۹۹۰

گزارش کار رسو مین

کنفرانس سازمان خارج از کشور

ادامه ز صفحه ١

هستیکی سازمانی بود.

کنفرانس با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام شهیدی راه آزادی و سوسیالیسم، و با یاد جانباختگان زلزله اخیر شمال ایران کار خود را آغاز کرد. در روز اول ٨٠ نفر مسدود نمایندگان با رای قطعی در کنفرانس حضور داشتند؛ بقیه نیز در روز دوم توانستند خود را به کنفرانس برسانند. بنابه روال هر ساله شهدای از اعضای کنفرانس سازمان خارج با رای خودتیی به کنفرانس دعوت شدند، بدون اینکه برای آنها از کنفرانس تقاضای رای قطعی شود. تعدادی نیز از سایر سازمانهای تشکیلات با سه عنوان میهمان دعوت شده بودند. از جمله حاضرین در کنفرانس، نماینده دفتر سیاسی سازمان بود - پس از تشریفات اولیه، پیام دفتر سیاسی به کنفرانس قرائت گردید. آنگاه بحث پیرامون آئین نامه و چگونگی گردش کار مورد بررسی قرار گرفت. در بحث پیرامون آئین - نامه برخی موارد که ناظر بر چگونگی انتخاب نمایندگان سازمان خارج برای حضور در کنفرانس به بحث در هر یک از گسترده طیف وسیع تری از نقطه نظرات رفقای عضو باشد، و همچنین نحوه مشارکت آن بخش از فعالین سازمان ما در مباحث کنفرانس که تلاقی مختلف در رده های گوناگون هواداری فعالیت میکنند، چگونگی تلفیق از تصویب اعتبارنامه ها و یکی دو مساله دیگر نظرات و مطالب ارزنده ای مورد طرح و بررسی قرار گرفتند. اما از آنجا که فرصت برای پرداختن به همه این مسائل موز چون نبود و هم اینکه بعضا مباحث جنبه عمومی تری داشته و میبایست تدارک کافی برای برخورد نظرات فراهم شود، کنفرانس بر آن شد که روند تا کنونی را مورد تصویب قرار داد. و موضوعات مورد بحث را به وقت دیگر موزکول کند. در این لحظه کنفرانس با انتخاب هیئت ریشه کار خود را ادامه داد.

در زمینه چگونگی گردش کار دستاورد مهم این اجلاس تصویب پیشنهاد یک - پنج سابق مینی بر دگرگون کردن شیوه پیشبرد پیشنهاد بود. در گذشته به هر محلی جداگانه قرائت اختصاص داده میشد و طی دو روز بحث در اصل، میبایست موضوع خاتمه مییافت و جمع بندی و رای گیری میشد. صرف نظر از اینکه معمولاً وقت مورد نظر، کفاف ادامه بحثها را نمیداد و به تمدید زمان بحث منجر میشد این مینب را هم داشت که بحثها به خوبی بخته نمیشد و تقاضای بحسبورت میهمان فرمول بندی میشد. در این کنفرانس این شیوه کنار نهاده شد و بجای آن، در روز اول همه محورها ای اساسی گزار شاد و طرح برنامه ها زمان بندی میمن در دستور بحث قرار گرفت. سپس در پایان روز اول ٤٦ کمیسیون از میان اعضای کنفرانس گزین شدنتا بر اساس بخشهای انجام گرفته، عرضه نمایندند. عضویت در کمیسیون اختیاری مینب اما مسئولین آنها را، کنفرانس انتخاب کرد. با اتخاذ ایسن شیوه کار کمیسویی، کارکرد عمومی پیدا کرد و بخشی از ساخت کنفرانس گردید. تا عملا روز دوم کمیسیونها در کار جمع بندی بودند. سپس اجلاس کنفرانس تشکیل شد و مسئولین کمیسیونها به سویت گزارشی کار خود را دادند. پس از گزارش مسئول هر کمیسویی مجدداً دو روز بحث حول هر یک از محورها صورت گرفت و رای گیری شد. با

این شیوه کنفرانس توانست در زمانبندی ای که مایز پیش مقرر شده بود کار خود را پایان دهد. ضمن اینکه بحث ها بخوبی جریان یافته و بنحو مناسی سایه روشنهای نظری مشخص شده و رای گیری بر سر هر یک از مطالب با آگاهی از چندون آنها صورت پذیرفت.

اولین سندی که مورد بحث قرار گرفت گزارشی سیاسی بود. در این زمینه کنفرانس با نقد صوریسه کنفرانس اول در رابطه با ساخت گزارش سیاسی ایسن امکان را فراهم آورد تا در سالهای آتی کمیته خارج مجبور نشاید همان موضوعات و مطالبی را مورد توجه قرار دهد که معمولاً گزارش سیاسی کمیته مرکزی به آنها میرسد. از این روکنفرانس تصویب کرد که ١ - در دتویب گزارشی سیاسی باید از فرمالیسم رایج در دو سال گذشته برهیزر کرده و در عین حال از درغلطیدن بسه محلی گیری خودداری شود. ٢ - برای نامین این هسدف گزارش باید از مهمترین مسائل مطروحه در محیط کنفرانس گزارشی سیاسی باید از فرمالیسم رایج در دو سال گذشته برهیزر کرده و در عین حال از درغلطیدن بسه محلی گیری عمومی سازمان درباره روند های بین المللی به نتیجه گیریهای عملی درباره فعالیت نیروهای سازمان خارج برسد. ٣ - با این صویه فرمالیسم در ساخت گزارش و میدیا مارکزی در ضماصین آن جای خود را به تحلیل همه آن اوضاع و احوالی میدهد که در منطقه فعالیت سازمان خارج بستر و زمینه اتخاذ تاکتیکها و شعارهای مناسب برای هدایت فعالیت را امکان پذیر میسازند.

گزارش سیاسی شامل جوهرهای تحلیل سیاسی تریس روند های تحولات جهانی، ١ - انعکاس مسائل ایران در سطح بین المللی، ٢ - مسائل مربوط به مهاجرین ایرانی، ٣ - گروهنده های سیاسی ایران در خارج، بود. کنفرانس با اصلاحات جزئی گزارشی سیاسی را مورد تصویب قرار داد. گزارشی سیاسی در بخش مربوطه مهاجرین ایرانی یاد - آویخته بود که ١ - علاوه بر وضعیت سخت بنامندگان ایرانی در ترکیه و پاکستان که همیشه موجب نگرانی ایرانیان شده و بر سایر آن، خصوصاً مواقعی که در گذشته در میگرد و با خطر فوری استرداد بنامندگان مقیم ایسن کشورها را تهدید میکند، واکنش نشان میدهند. جنبشی مهاجرین و بنامندگان مقیم سوئد علیه محدودیت های وضع شده در اینباره و خطر استرداد بنامجویان بسه کشور مبدأ، قابل ذکر است. ٢ - ایرانیان مقیم سوئد همسرا سایر مهاجرین و بنامندگان و با همکاری نیروهای حزب مترقی ما، ٣ - بحکومت کمیته های اقدام مشترک بگرفته اعتراضات، تحریکات و تظاهرات محین در دستور بحث قرار شد. گزارشی در اتمه توضیح مدهد: "که اگر از تظاهرات حقوق بنامندگان شکل گرفت، بگرنمزد، در سایر کشورها مسائل مربوط به بنامندگان چندان خاص نبود. ٤ - وضع متعاقب همان تحلیل سال گذشته مینی بر تریس وضعیت بنامندگان و مهاجرین و مسفر شدن آنها در محطه است. ٥ - همچنین گزارشی تصریح میکند " از سیمترسی فعالیتها که مکانان با استقبال ایرانیان رومرو مشوند فعالیت های فرهنگی است. ٦ - گروه های هنری و ادبی که از ایران و اروپا و آمریکا سفر کردند با استقبال زیادی رومرو شدند، که این خود بصورت بسک

آلترناتیو در مقابل فعالیت های فرهنگی و اجتماعی که سابقا بطور عمده از جانب ایزوسیون مستقر در خارج سازمان مسافت درآمد. گزارش ما اشاره بسه "روند استقرار و هویت مابی اجتماعی که بصورت تحصیل و تلاش برای سدا کردن شکل خود را نشان میدهد". در عین حال تاکید میکند "از نظر سازمانی مهاجرین ایرانی صبح پیشرفتی در این دوره مشاهده نشد. در نگرار با مابی این بحث آمده است: فعالیت ما برای شرکت و دخالت در سازمانی مهاجرین نسبت به وضعیت عمومی مهاجرین مناسب نبود. ٧ - و نتوانسیم نقش قابل توجهی داشته باشیم."

گزارشی سیاسی در بخش "انعکاس مسائل ایران در خارج" چنین آورده است: هر یک ضمنی یک همچنان زموادی در محیط خارج پدید آورده و بدینال آن توجه عمده ای را به مسائل داخل کشور و از جمله تفهیمات در دستگا دولتی جلب کرد. در همین زمان و با انتخاب رفسنجایی وزیر فشار قرار گرفتن " حزب الله" و سازمان نشه های میانه روی در حکومت، گرایش طرفدار استتاله در حکومت و ترمش در مقابل آن را یکبار دیگر فعال کردند اما با سخ تئوریستی حکومت اسلامی که در تئوریچره های متفاوت ایزوسیون خود را نشان داد. ٢ - سردی بسر روی هسومات آن بود. ٣ - تئوروا هشدار صهی به همه سازمانهای سیاسی بود که رژیم ملایم تر فرانسوری در سطح بین المللی به اقدام علیه ایزوسیون و مرکوب آن - کالینوید است. ٤ - همه ایزوسیون در رابطه با سناست این سفر ریتامح آن سنج شدند. مینب گفت که سازمان ما از اولین نیروهای بود که در اینباره دست به اقدام زد. ٥ - بطالیات ما طی نامه ای به زبانهای مختلف در اختیار همه نیروهای خارجی مرتبط قرار گرفت. ٦ - یک اعصاب غذا در زمان سفر کالینوید به ایسبران در شهر فرانکفورت سازماندهی شد که انعکاس خوبی از جانب رسانه های جمعی داشت. ٧ - گزارشی با اشاره به نغدی که ما به جویاب محافظه کارانه گزارشی کالینوید بل داشتیم. ٨ - یادآور میشود که ایشان با مابشر اسامال جعدا به ایران میروند و ما باید از هم اکنون در این رابطه فعال شویم.

برخی گزارشی تشکیلاتی مسائل سیاسی مهمی به بحث گذاشته شدند. از جمله آنها مسئله زنان بود. در گزارشی تشکیلاتی در اینباره آمده بود: " ما باید نقش بیشتری در تحریک بخشی به جنبش زنان ایفنا کنیم. برای اینکار ضروری است که در کمیته خارج بطور مستقل حول مسئله زنان خمزکز بودجه آید و یکی از ضماصین تقسیم کار محسوب شود. علاوه بر این با توجه به نقش فعال زنان در سازمان خارج و کمیته قابل توجهه آنان زمان مناسبی که در صدمعینی از اعضای کمیته خارج از زنان باشد" بدون اغراق، این مسئله چندان برای ادامه بحث محسوب به تمدید وقت شدند. اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان به اهمیت طرح مسئله راههای مبارزه با سنها در مسائل ارائه در تشکیلات سخن گفتند. اما در این میان آنچه که حائز اهمیت است نقش زنان رفقای روزی در جلاست جوهرها آنگاه که پیش نویس اسناد مورد بحث قرار گرفتند، چه در جلاست کنفرانس در پیشبرد این بحث بود. باید گفت برای اولین بار در سازمان خارج مسئله زسان - عقبه در صفحه ٤

ادما ز صفحه ۳

بطور جدی مورد توجه قرار گرفت و برای مبارزه با سنن عقب ماندگی تهروری تازه‌ای آزاد شد. در برابر سربلندی پیشنه‌ها کمیته خارج خطرگراه میگری نیز طرح شد. این نظرگاه ضمن دفاع فعلا نه از جنبش زنان و اعتقاد به شرکت عملی فعال در آن، با هرگونه امتیازدهی نابجا که موجب خسران برداشت گیری حرکت و جنبش زنان با شمشکالت کرد و نظرش را بدینگونه به کنفرانس عرضه کرد: زنان بر اساس توانایی یکسان در اولویت قرار گیرند. یعنی بین زن و مرد با توانا نشای ماری به رفیق زن اولین نظر آمده شود. این نظر البته رای کنفرانس را نتوانست با خود بمبایه یک مویسه همراه داشته باشد. ولی در روشنایی افکندن به جوانب کوناگون بحث مربوط به زنان مهجور دکنفرانس ضمن تصویب پیشنه‌ها کمیته خارج میبرود که در این زمینه کفرانده به اینگونه: " تلاش در جهت با بین بردن ساخت مردسالارانه تشکیلات منجمله از طریق قرار گرفتن تعداد بیشتری از رفقای زن در سطوح مختلف مسئولیتهای تشکیلاتی "

مسئله دیگر در بخش تشکیلات تصویب طرح کمیته‌های کشوری بود. در گزارش تشکیلاتی با تقدیمه های خارج کارانه که به کمیته خارج تحمیل می شود و ارتباط این نقد با ساخت سازماندهی میبرود که در کشورهایی پیشنه‌ها ایجاد کمیته‌های کشوری در کشورهای گوناگون جنس امکانی وجود داشته باشد. شده بود. در طرح کمیته خارج جنس آمده بود: از آنجا که انتمال مستقیم حوزه‌ها به کمیته خارج با یک سنگن خرده کارانه‌ای را به کمیته خارج تحمیل کرد، و آنرا از تمرکز حول خطیاست. گزارا نه مورد نیاز منحرف مسازد، و از آنجا که در دوره بحرانی گونی تمرکز روی مضامین سیاسی و تهروریسی اولویت جدی پیدا کرده است مخلوط است که کارهای اجرائی از هر نظر و آنجا که مقدور باشد از منظر عدم تمرکز تعبیت کند. و نیز از آنجا که حوزه‌های بسزرگ در دو سال اخیر با مشکلات وسیع در رابطه با هدایت نظارت و جمعیتد فعالیت و همچنین با مشکل نسنشایی بجام عمومی روبرو بوده‌اند و برای حل این مشکل راه‌حلیسی انشیده شده و اجرا شده‌اند که نسانی با طرح عمومی سازماندهی داشته و از یک منظر آشنه بین شکل حوزه‌ها و کمیته‌های شهری میبری کرد شده. و باز از آنجا که کارهای خارج دارای کارهایی است که عموما در شرایط کارهای روزمره محسوس هستند و امکان استفاده از انرژی آنها در اول وقت مشکلات عمومی تر از خارج موجود نیست، پیشنه‌ها می شود. " اما ادامه این مقدمه طرح مشخص ایجاد کمیته‌های کشوری و اصلاحات ضرور در ساخت حوزه‌های شهری آورده میشود. کنفرانس با اکثریت بسیار بالای به طرح مذکور رای سدهد.

در اینصورت نتیجه به خانواده شیدا و زندانیان سیاسی قطعنامه‌ای توسط عده‌ای از نمایندگان به کفران سن ارائه شد. کنفرانس حول این موضوع ستن از بسک ساعت به بحث و بررسی پرداخت و بعدها و طرح‌های مختلفی بیان شد. هر چه نمایندگان کنفرانس را سراط و در نظر گرفتن مشکلات و مسائل اس دنه از رفقا خانواده. هایشان را با اهمیت تشخیص دادند. در بیان ماجسه نماینده دفتر سیاسی سازمان که عنوان ناظر در کفران

سن حضور داشت، عنوان کرد که سازمان مرکزی بویزه به اس خانواده شیدا و زندانیان سیاسی توجه اکیه دارد و سبه همین لحاظ کمیسونی را مامور رسدی نه وضعیت خانواده‌های شیدا کرده است. ولی بدلیل مشکلات مالی، سازمان نمیتواند به تمامی تعهدات خود پاسخ شایسته. ای بدهد. تهروری است که هماغی تاکنون سازمان مرکزی با کمیته خارج نتگانتگنر کرده. محبتشای نام. بنده دفتر سیاسی با تاشید نمایندگان کنفرانس همسراه بود.

در بخش امنیت گزارش چنین آمده سسود: جمهوری اسلامی در خارج نیز در عرش سال گذشته ساست ست سنگفب و نهسید و تهرشی و ترور مخالفان و ایوز سبون سیاسی خود را همچنان تسار میکند و موفق سبست هس: جزیکه نه دولیهای غربی تصهدات لازم و سبسات های جدی و کارائی را در فعال نقشه‌های این جمهوری سز و سقاوت از جیت مقابله و محدود کردن آن نقشه‌ها از خود نشان میدهند. بنه ایوزسیون که سوزه این تصهدات است با حساست و هماغنکی برخورد میکند. لازم و جمهوری اسلامی باندا اطلاعاتی خود را با فراغ بال تکمیل کرده و در مراز فرور فربه‌های کاری نیز وارد میکند. آنگسگاه کنفرانس شوهه‌های کار جمهوری اسلامی در خارج از طرح کرده و سبساتشای لازم در برخورد با آنها را پیشنهاد میکند. کنفرانس با درک حساست مسئله محسوسه‌ای در جهت اجرای موکد رهنمودهای کمیته خارج نیز ساسر میکند.

در بخش تدارکات و مالی گزارش روی مشکلات توزیع نشریات سازمانی متمرکز شده و علل آنرا سنا تفصیل تشریح کرده و راه‌های حل آنها را پیشنهاد نمود. کنفرانس با تاشید آنها، در عین حال قطعنامه‌ای را در ترضو بپ گذراند که بنابر آن با تاشید بنگاهی کردن سیستم توزیع به از سال قبل به اجرا در آمده، روی انشیب سبست پرداخت فروش سهمیه حوزه‌ها، قطع سهمیه حوزه‌های بدحساب و تسویه بدهیهای سابق تاکید نمود. در همین بخش کنفرانس گزارش کمیته خارج را روی جنبه‌های متنوع توزیع نشریات سازمانی، سازماندهی، جمع‌آوری کمکهای مالی و ... را مورد تاشید و تصویب قرار داد. در عین حال تصویب کرد که تلاشهای جدی‌ای در جهت تحقق مدرنیزاسیون فنی و تکنیکی اشکالات با هدایت متمرکز در سطح کمیته خارج و حوزه‌ها بعمل آید.

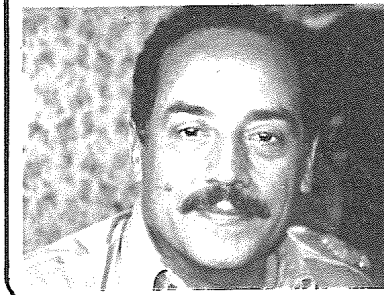
در رابطه با بخش تبلیغ و ترویج و آسوسوز، کنفرانس با تاشید کلی گزارش محسوسه‌ای را مورد توجه و تاشید قرار داد که فشرده مطالب تبلیغی کمیته‌ای بود که در گزارش مذکور آمده بود. این مصوره جنس است: توجه به: الف- انت فعالیت سیاسی در میان نیروهای سیاسی و مهاجرین ب- به بن سست رسیدن اشکال قدیمی تبلیغ (میزانها و ...) ج- بی‌نمیجه بودن تبلیغیات آگسوسی. د- ویا توجه به خط جدید سازماندهی و استقرار نیروها در محیط کار و تحمیل کنفرانس معتقد است: امکال و مقاسم تبلیغی مسابستی مقناسب با شرایط نسیر داده سرت. ۲۰- تبلیغات نوده‌ای در میان سبسات جرس سناعدگان و دسگر تشکلهای نوده‌ای مورد تاشید فرار گمرند. ۳۰- سوهه‌های تبلیغ در تشکلهای تسوهه‌های مسابستی همکار سبک تا سند. ۴۰- راه‌اندازی مراکز محصل محسوسه‌ای و تعامسب فرهمگی و سبری در آسبسات. ۵- سرتک در ترا س و جنبه‌های نوده‌ای فرهنگ سیاسی مدی. ۶- سبک گ. سلسله. ۷- ساسی در اس حسبسات. ۸- تعالیه‌های اسناتی. کنفرانس در مورد اشکال متنوع تبلیغ

نیز مویسه‌ای مادر کرد. درباره ترویج مویسه کنفرانس چنین است: کنفرانس به اهمیت ترویج در مورد مسائل مربوط به بحران کشورهای سوسالیستی و تاثیرات آن در رابطه با انقلاب ایران تاکید دارد و اضافه میکند که کمیته مرکزی سازمان سیاسی به این مسائل با سبست درده. واحدهای سازمان را از طریق کمیته خارج حول بحث روی این مسائل و آسوز آنها فعال نماید. در این مورد به برگزاری محافل سمینارها و سولتشیهای تشوریک و نواره‌های آموزشی و غیره تاکید میکند. در عین حال کنفرانس روی تشکیل محافل مطالعاتی مرکب از اعضا و هوارداران و دیگر نیروها گزارش و پیشنهاد کمیته خارج را تاشید کرده و آنرا تصویب میکند.

گزارش در بخش روابط خارجی و بین‌المللی، راستاهای عمومی فعالیت ما در یکسال گذشته را بدیوش تصویر کرده و بیلانی از فعالیتها را ارائه نمود. در این گزارش آمده است که: نکته مهم در فعالیت بین‌المللی آست که علیرغم یکسیر شدن بیشتر رفقا در زندگی اجتماعی هنوز خط عمومی فعالیت در این حوزه‌های سیاسی است " ساعست عطف به بیرون " و گسترش و تاسمین رابطه توسط همه رفقا با محیط و نیروهای کشورهای میزبان. در حد لازم مناسب پیش نرفته است " در عین حال کنفران س با نقد عدم هماغی در کار سهمیه روابا خارجی تصمیعاتی در جیت سازمان دادن تبادل تجربه و همچنین پیشبرد سیاست استقرار ارتباط با محیط در دستور کار کمیته خارج گذاشت. کنفرانس تصمیم در مورد سبوسته و کیفیت انتشارات به رزسهای خارجی را در عیسوده کمیته‌های خود در حال تاسیس گذاشت تا هر کمیته سسته به توان و رزسبایهای خود در این زمینه اقدام کند. آخرین سند مورد بحث طرح پیش نویس برنامه ارائه شده به کنفرانس بود. طرح مذکور با اصلاحاتی به تصویب رسید. برخی از رزسوش برنامه را ما در سبوسته پیشین توضیح دادیم. از جمله مسئله تشکیل کمیته‌های کشوری و مسئله زنان. مسبترین بند برنامه محسوب تاشید روی اولویت بندی در بر سبسات تشکیل کمیته‌های جاری بود. برنامه اسال بر مبنای یک ساخت اولویت سونگانه استوار است. اما در نوشته بعدی درباره اینسن مسئله صحبت خواهیم کرد.

بس از پایان بحث روی اسناد کنفرانس تصمیم گرفت تا پیامهای را خطاب به خانواده شیدا و زندان بیان سیاسی. " اعضا و هوارداران سازمان " و " سبسات جرس و نمایندگان ایرانی " منتشر کند. آنگاه یکی از اعضا عیث رفیق به نمایندگی از جانب عیثت رفیق به کنفرانس سخنان کوتاهی ایراد کرد. او ضمن تقدیر از برخورد های مناسب و رفیقانه نمایندگان کنفرانس را با سبسات مثبت ارزیابی کرده و آنرا پایه‌ای برای شرکت مؤثرتر و وسیعتر در کنگره آتی سازمان تلقی کرد. در عین حال او شیوه جدید کردن کار روشی کنفرانس را مفید اعلام کرده. شیوه‌ای که امکان دادنا کفران س با بخشهای کافی و متمرکز در زمان تعیین شده به کار خود خاتمه دهد. او اضافه کرد که اس کنفرانس سببست نقد و جایگاهی که نمایندگان زن بطور فعال در آن ایضا کردند و نیز جهت تحویبات با اهمیت که درباره زنان در تشکیلات ما و سخن آنان در فعالیتهای بیرونی گذراند یک نقطه عطف مهم در فعالیتها یا محاسب آرد. در بحث فضا کنفرانس سوم سازمان خارج کنفرانس برخاستن نمایندگان و خواندن سرود انترناسیونال سببا مشتهای کرده بود. □

چنددهه مبارزه



گفتگویی رودر رو

بارضامرزبان

«(۷)»

دربار رفته و با شاه صحبت کرده و اجازه گرفته و عهدنامه شده که یک حزب سوسیالیست، حزب سوسال دمکرات در ایران تشکیل بدهد بجای حزب مردمی که الان هست و روشنگرها را در آن جذب کند و الان دست بکار تدارک حزب است. جاهانی که او نشان داد خبرنگارهای ما رفتند و شواهدی بدست آوردند و همین که مطمئن شدیم در ستونی بنام "بی بی" در حائصل سیاسی روزنامه مطرح کردیم که آقای خلیل ملکی به حضور شاه رسیده و اجازه ناسیب حزب سوسیالیست دمکرات گرفته و محلی را هم که قرار بود کلسوب حزب بشود نام بردیم. خبر که بی بی از موقع منتشر شده برنامه حزب بازی بهم خورد.

حادثه تظاهرات مملنان و قتل دکتر خانعلی در میدان پارسان کبیر است. کبیر نامه شریف امین ضبط کرد و دکتر امینی به نخست وزیر رسید و در کابینه او درخشش وزیر فرهنگ شد. کاری که دکتر امینی کرد این بود که مجلسی را که انتخابات انجام شده بود فرمان انحلالی را از شاه گرفت. در مجلسی که منحل شد، چند نفری مثل الهیار صالح در کاشان، و مهتذبند، قدم رفائی از آذربایجان انتخاب شده بودند، و خود شاه در دکتر امینی - به هر دلیل که بود - دکتر مصدق را میدید و هنگامیکه مشاوران گفتند، چرا فرمان انحلال مجلس را میدهند گفته بود، مصدق هم که به مجلس آمد، بگفت بود ولی همان بگفت کافی بود که همه چیز را بهم بزنند. دکتر امینی وقتیکه به صدارت رسید کابینهای که تشکیل داد برنامتان مبارزه بافساد، و اجرای اصلاحات ازین بود و موج نارضایتی برانگیخته در سطح کشور را از مملنان با تشبیر پایه حقوق معلم از ۱۵۰ تومان به یانصد تومان آرام کرد. فردر بعد اتحادیه های صنفی مملنان را خلع سلاح کرد و مخالفت آنها با درخشش، با خشونت حکومت نظامی خاموش شد. دکتر امینی، بیرون مجلس و در تفرات، حکومت

را بدست گرفت و در سطح ایران و مدبران، گروهی از شخصیتها پرسوا و بدنام، و صاحب نامه را تحویل زندان و دادگاه داد. سید آزموه، دادسان ارتش، که وزیر دادگستری امینی، "العیونی" او را "اشمس" ایران لقب داد، و سید کا ریش رکن "سراشکس" فرنام و ارتشند هدایت، اهناج که سالها "میکتاتور

بقیه در صفحه ۶

زمانی بود که انبوه مملنان دارای تالیات چپ، دنبال جایی برای تجمع میکنند. درخشش، روزنامه نویسی نمود و پیش از ۲۸ مرداد، روزنامتان را "زین کوب" و "سمعی" انداره میکردند و بعد از کودتا هم "خلیل ملکی"، "انور خامنی" و "اسلام کاظمی"، اما، آزبانتور و اتحادیه ساز بود و توانست با تاسیس شرکت تعاونی و اجرای برنامههای فرهنگی - سیاسی حتی بعد از پایان دوره مجلسی، که دیگر زاهدی نبود نااورا و کیسل کند، در فضای سیاسی حضور داشته باشد. (آید می دانید که در دوران اختیای زاهدی پیش از کودتا، خانه درخشش یکی از مخفیگاههای زاهدی بود و بعد از کودتا، او به پادشاهی، از تهران وکیل شد.)

به هر حال باشگاه میگان بصورت کانونی درآمد برای مملنان از آوزنگر و دبیر، که سرپناهی برای حضور و دفاع از حقوق صنفی میجستند. اینها پنجاهه خودشان را زیر مال درخشش پیدا کردند و دور او جمع شدند. از جمله مصطفی بیژر - دبیر ادبیات که مرد فاضلی بود که من او را از زندان لشکر زرعی میشناختم و عضو هیات مدیره جمعیت ملکی مبارزه با استعمار بود و مردی سلیم الفی، نیمیانم چطور تحت تاثیر شرایط تسلیم درخشش شد و وقتی که دست درخشش رو شد و شناخته شد و به وزارت رسید بازم با او ماند ولی مملنان شروع به مبارزه با درخشش کردند که دیگر دیر شده بود و تائیسری نداشت. درخشش وزیر شد و اینبارا برآکده کرد. بهرحال درخشش از طریق باشگاه میگان مملنان را دور خودش جمع کرده بود از مطالبات صنفی به کرد سیاسی نقب زد و برنامه پانزده روز بیکار سخنرانی در باشگاه گذاشت. از جمله سخنرانیهای این برنامه تفراده بود.

دکتر امینی وارد انتخاباتی شده بود، و دنبال راهی برفت که دکتر مصدق رفت و جبهه ملی را پایه گذاشت. پیروز ضمن صحبت با اسلام کاظمی، گفت درخشش خوب راه افاده، چطور است تو که به دست دکتر امینی نزدیک هستی دست درخشش را توی دست امینی بگذاری - خندید و گفت، بدفکری نیست، از تقاضای بیکاریهای من دارد میشود. برای من روشن شد که اشتلالی درخشش ندارد شکل میکند. این زمانی بود که به موازات آن یک اتفاق دیگر داشت ماغاند، اسلام کاظمی برای من شرح داد که "خلیل ملکی" چندماه پیش سه

در افشارکوبی انتخابات مجلسی، و دامن زدن به مبارزه انتخاباتی روزنامه پیغام امروز، نقش مهمی ایفا کرد. در عین حال به جنبش سندیکائی هم توجه داشتیم. وزارت کار خود در تاسیس سندیکاهای کارگری پیشقدم شده بود، تا سندیکاهای خرد را در ایران بی ریزی کند. در پارسی سندیکاهای عناصر اصیل کارگری فصال بودند. من با سابقه ذهنی و ارتباط علی که با جنبش کارگری ایران داشتم آنها را می شناختم. با خیلی زود تشخیص میدادم و به تقویت کار سندیکائی آنها کمک میکردم و آنها را تشویق میکردم. چون حضور سندیکاسی میخواست پوششی باشد برای تجمع آنها، از آغاز انتشار روزنامه تا مدتی یک صفحه را در اختیار مسائل کارگری گذاشته بودیم این صفحه بقری زود رشد کرد که منجر شد سندیکاهای آرایگهها در تهران، سندیکای کارگران کافه سرتوتان، سندیکای کارگران نانوا بیکاره جمع شدند در روزنامه و راه روزنامه به محیط کارگسری خوزستان باز شد. در بین این سندیکالیستها کاتسینی بودند که به اصطلاح سر پناه خودشان را در حزب مردم پیدا کرده بودند تا زیر پوشش حزب سندیکا را به ثبات برسانند و بعد از آنجا کشیده شدند به سندیکاهای مستقل. البته صفحه کارگری، زیاد دوام نیاورد، بر سر مسائل کارگران خوزستان و دیگری با وزارت کار تعطیل شد. اغلب سندیکالیستها فعال را هم طی چند سال بیکار سازمان امنیت دستگیر کرد و زندانی کرد یا مرده، ناگهان مرده یا اینکه بهرحال به تریستی از فضای کارگری دورشان کردند بیرونشان کردند. باخطر دارم حتی سندیکای کارگران نانوا کارش بجایی رسید که دبیر سندیکا که با من در زندان بود وزیر کار زیرپایش نشست که به وکالت مجلس انتخابی کند و او زیرساز نرفت. تا سرانجام بلایی سرتی آوردند که سندیکا را ول کرد و رفت در ناریک مغازه نانوایی باز کرد و مغازه دار شد.

درخشش، که در کارگردانی ضدچپ، انجمن لیسانسهای دانشسرایعالی را برده بود، و استازوزیرنامه میگان که ارگان انجمن بود نیز از دکتر فخمی به او انتقال پیدا کرده بود، در دوران وکالت، باشگاه میگان در دور روزنامه میگان تاسیس کرد، و هنگامیکه چون بروش، اتحادیه فراغ تحصیلان دانشسرایعالی را از او گرفت. او مملنان را، در باشگاه جمع کرد، و این

ادامه از صفحه ۵

سازمان برنامه" بود، از شمار زندانیان بودند که بورژوازی دهانت، کبا، و آزموه به دادگاه رسد و محاکمه شدند. و با این محاکمات، و با انحلال مجلس، در واقع زهرچشم از مالکان بزرگ و خانانهای شریک حکومت، فرستاده شد. و برنامه اصلاحات ارضی، در متن این سروسامانی، ماریزه با فساد برای اجراء، مطرح گشت. هر ارزنجان، وزیر کشاورزی کابینه، در واقع، از سال ۲۴، در سی اسبن برنامه بود و هنگامیکه حکومت ترک و وقایع آذربایجان بود، او لزوم اصلاحات ارضی را که بین آن کودتای رضاشاه هم در برنامه حزب دمکرات طرح شده بود، پیش کشید و در نتیجه، انتشارنامه وکالت او، در مجلس بازندهم با قیام و قعود رد شد. اما حامیان آذربایجانی رژیم، این فکر را دنبال کردند تا جائی که در حدود سال ۲۸ و ۲۹ بود که شاه تصمیم به فروپاشی مملکت سلطنتی گرفت و بانک عمران را برای فروپاشی و جمعآوری پول، نامیس کرد و بانک، اسناد معاملات انجام شده را نزد بانک ملی میگذاشت و به یقه تبدیل میکرد. آذربایجانیان او را تانغ کرده بودند که طبقه کارخانه ایران برای پیشگیری انقلاب که از شرق آسیا پیش میاید، باید تن به اصلاحات ارضی بدهد، میگرد که برنامهای این کشور را هم از روزنامه کیهان، که خبرنگاری یک مجله آذربایجانی را هم این زبان داشت، هجیات آذربایجانی را همراهی میکرد و گزارشهای منتخبی ازین سطر، ابتدا در پایورتی کیهان و بعد به صورت کتابی، منتشر شد که هزینه چاپش را آذربایجانی داده بودند. "زبورخوان" دهانت و روستاهای ایران" و در یک خطبای رسمی در ایران بخش شد در عین حال دولت هم در رادیو شروع به اقدام کرد و راشد، خطیب مذهبی که شبهای جمعه برنامه منظمی داشتند مدت مدیدی یکسال با بیشتر در سخنرانیهای تاکیدی میکرد روی برنامه اصلاحات ارضی و اینکه مالکیت با اسبن و وجود مالکیت صورت موجود اسلامی نیست با اسبن وصف از سال ۳۶ که بعد قانون اصلاحات ارضی، در برنامه دولتها بود ولی مجلس در کمیسیونهای آنرا سی اثر میخاست و به تازمه نهاد اصلاحات ارضی تبدیل میگردد.

بازمنتهای که برانسان شرح دادم اصلاحات ارضی که امری بود که برای ایران اجتناب ناپذیر بود و آنقدر جدی این اصلاحات احساس میشد که خود شاه سمول حکومت مالکیتهای زراعی بزرگ، به آن داده بودند، اما منافسانه حسن آذربایجانی ایران در آتیمان درک روشنی از مسائل اجتماعی کشور نداشت و فقط بنفش آن بود که عمو مویج که از دربار مایب با آن بجنگد و حسب هم در این زمان، به مار خشن بار و مار شده بود، در حالیکه شعار اصلاحات ارضی در درجه اول به حسنی جنب متعلق نداشت و مانند آذربایجانیان، آنرا از جنگی طیفه حاگه سرون میگذشتند. سطح باش اشکای اجتماعتی آذربایجانیان، این زمان آنرا دچار همان خطا کرد، که دیده بود، در مورد ملی کردن نفت، بر بود دچار شده بود، سی آنکه فرصت اصلاح اشخاص خودشان را بساید کرد.

با انحلال مملکت اصلاحات ارضی را از حائسه

حرکت حکومت بوسی گردهم، چون ارسنجانیت درست که حزب "آزادی" را در سال ۲۵ تشکیل داد اما در کنار حزب دمکرات این حزب کوچک را درست کرد و درست که روزنامه نویسی بود اما مسئول سیاسی حزب دمکرات و ناشر روزنامه دمکرات ارگان حزب دمکرات قوام السلطنه بود و درست که در مقاطعی مصاهای چپ داشت اما کسی بود که در ۳۰ تیر معانوم سیاسی قوام السلطنه بود. اما اینکه حزب توده چه برنامه داشت باید بخاطر داشته باشیم که بعد از سال ۲۳ درحال درجالت فزایشی و تا سال ۳۶ و ۲۷ درحال جنگ و گریز و بعد از آن، خاموشی بود، و دیگر حزبی وجود نداشت تا برمود برنامه اصلاحات ارضی، مصوغری بکند. ولی تنگ چپ، اینجا و آنجا، حتی در میان کسانیکه بمنوان کارمند وزارت کشاورزی مجری این برنامه بودند، احساس میگرد، آن قسمت از نسل جوان حزبی عم که بطرف جبهه ملی کشیده شدند و تا سال ۴۰ و ۴۱ و ۲۲ در کار جبهه ملی و جناحهای مختلف آن فعال بودند بجای اینکه تشخیص شرایط را بدهند و آگاهانه وارد یک مبارزه بشوند بعملت وابستگی طبقاتی و با بعلاست سرخوگری از چپ روی گذشته، سعی کردند فقط دنبال شمار گلی دفاع از آزادی بودند بی اینکه شعوریت تحول اجتماعتی لازم برای دفاع از آزادی را در نظر بگیرند. در نتیجه دکتر امینی که خود از بزرگترین زمین داران ایران بود، اصلاحات ارضی را در برنامه دولتیش گذاشت و شاه توانست وجود خودی را که بزرگترین عامل ستم طبقاتی و ستم به دهقانان در ایران بود بعدت ۱۸ سال به مردم ایران تحمیل کند.

حرب توده، در طول سالهای بی از شهریور ۲۰ تا سال ۳۲ جومردان اندیمیه اصلاحات ارضی بود و این پایه فعالیتهای روستائی حزب بود، اما در سال ۳۹ که موضوع بطور جدی مطرح شد، جبهه ملی که میدان فعالیت بنا کرده بود، نتوانست ازین زمینه استفاده کند. ارسنجانیت آرتانور بردفرتی بود و خود او، آنجا که احساس میشد در سیستم حکومتی دنبال تیر جدا نبود برای ایجاد حکومتی منگی به حزب دهقانان - حزب کشاورزان - من این را آنوقت حس کرده بودم و برفعالات مسلسل برنامی امروز در آتیمان در عین دفاع از شعوریت اصلاحات ارضی در تحلیلهایم که از وقایع میگردم از شعوریتی که برای بیشتر برنامه اتخاذ شده بود، انتقاد میگردم و نشان میدادم که با شرایطی که کار دارد پیش میروود کشور نارد به طرف ایجاد یک حزب فاشستی کشاورزان همدات مسود و با توجه به تناصبی جمعیت، ناسس چنین حزبی حرکت سیاسی و اجتماعتی و مبارزات شعوری را تحت الشعاع قرار بدهد. حرکتی کاللا در چنین که ارسنجانیت مرمت مشخص بود و شاه در عین اینکه خودی راه میافزاد و اینجا و آنجا سخنرانی میکرد به دهانت معرفت و سخنرانی میگردم سداست دنبال چی هست عرجا که ارسنجانیت را از جانبی که داشت سرون میگذاشت سانسور شاه از طریق سازمان امنیت و از طریق وزارت اطلاعات راه میافزاد. از حلقه دهقانی در دهی در حوالی تهران خواستار اجراء مضمون مجلس درباره لغو سوسات شده بود. در زمانی که اصلاحات ارضی مطرح بود این دهقسان مضمونی حمام ده اسب، مالک دستور مدهد زاندرما

این دهقان را میبرد به زاندرما و به ستونی با سیم میبندند و آنقدر میزنند که تمام تنش مخرج می شود و از عوش میروود و رهایش میکنند. وقتیکه دهقان آزاد میشود بعد از ۳-۲ روز دردمسار، او را برای مصالحه میآورند به کرج، از کرج او را تا پیش وزیر کشاورزی رساندند و ارسنجانیت در مصاحبه همضکی خود مطرح کرد که زاندرما بشت گوئی تهران این بلا را سر یک دهقان آوردند و عکای شبی من مخرج دهقان را هم به روزنامهها دادند. خبر در همه روزنامه ها از تقبول ارسنجانیت سخنگوی دولت امینی چاپ شد ولی درآستانه چاپ مطالب دکتر ارسنجانیت درباره دهقان و زاندرما سانسور شد، بدستور مستقیم شاه.

روشنگرهای شعوری در فضای دانشگاه که آن زمان رهبری آن بدست جبهه ملی بود تنها مگاتی بود که میتوانستند درآن شرایط نسی ناشی از روی کار آمدن کندی در آمریکا، آزادی فعالیت محدودی داشته باشد و اگر قصد میتینگ دارند زیرپوشش نظامیها در میدان جلالیه، میدان اسب دولتی جلالیه بگذارند، به این مسائل بنیادین اجتماعتی توجه نداشتند. بایسن ترتیب پایه یک انحراف در مخالفت با رژیم شاه از جهت منافع مردم گذاشته شد که بعد خواهیم دید کجاست.

در اینجا ننگهای هست که باید تعریف کنیم و خیلی ظریف است وقتی که بحث میگرد از کندی، من و شما فکر میسیم خوب کندی که رئیس جمهور آمریکا بود چه تاغی میخواست روی جرشات امیر ایران داشته باشد؟ نکته اینست که آمد و رفت رضی جمهورها در آمریکا آتاریش توی روزنامههای ایران میشود بود. دوستی ماشم از رفقای خیلی قدیم که در روزنامه کیهان کار میکرد و در آنزمان در بدنه اکهپی روزنامه کیهان با بدنه تشخص روزنامه کار میکرد، خبر شد که او را گرفتند و اتهامی اشراف با سفارت شوروی است، روزنامه فروش خیابان اسبیه را گرفته بودند. روزنامه فروش را شگجه دادم. بودند او را اعتراف گرفته بودند که من از طریق این آدم در ارتباط هستم با نامبندی در کارخانه جیت سازی تهران و من از سفارت شوروی دستور میگرد و به من میدهد و من رد میگرد آنرا به دستور ای کسی ازاضای سیدیکای جیت سازی، مدت ۹ ماه دوست من درزنمان زیر شگجه بود، بعد از آزادی، تعریف میگرد میراحصل شگجه را و از اطابق که از سقف آن شیبا نوراکن میمانداختند روی او، تا کنترول رااز دست بدهد، در انفرادی او احتراهای ناگهانی به انکی شگجه و انواع شگجههایی بهتر میادند مانند شوك الکتریکی که اعتراف بکند، با وابسته سفارت شوروی ارتباط داشت است. میگفت ۹ ماه زین فشار من در بازجویی کردند و من همچنان در انفرادی بودم، بعد از ۹ ماه یکسروز برای مرا بازجویی خواستند، یک سرون جیت آمد و ما س مودبانه رفتار کرد، خیلی میوان و بالبد بازجویی که تمام شد بهین گفتن ططورشد که شما اینقدر مهربانید و منگجهها را شرح دادم، گفت خوب بر زمانی یک اجتماعتی دارد فکر کنید اگر آنزمان هم میامد از آنها بهتر رفتار میکردم. بازجویی، ما به زندان عمومی انتقال دادند و کمی بعد از زندان آزادشدم، در اساق

می‌آمدند و تمام صفحات روزنامه‌ها را پیش از چاپ می‌خواندند و اجازه چاپ می‌دادند، یا البته فضای تنفسی وجود داشت. نمی‌توانیم بگویم هشاری سیاسی بهره‌براری از این فضا در مطبوعات نبود، چرا، بود اما جماعت و وجدان حرفتای، کم بود.

مرحله جابجایی يك پایه اجتماعی بود دیگر، و مالکیت بزرگ که محور قدرت دوران قاجار و پهلوی تا پایان سال ۲۲ بود داشت زیر و رو میشد. يك دوره ۱۵۰ ساله ۱۶۰ ساله داشت پایان می‌افتاد. بسک تحویلی داشت در مسئله مالکیت در ایران بوجهود می‌آمد که شناخت و درک آن برای جامعه ضروری بود. آگاهی ذهنی جامعه باید پیش شرط چنین تفکلی پیش نمی‌آمد. اما تمام تلاش صرف آن میشد که جامعه نماند چه دارد اتفاق می‌افتد. يك مورد را که به روزنامه گیان برمیگشت در همان زمانها یکسال جلوتر و یکسال عقب تر نقل می‌کنم: تاریخ مشخصی برایم مطرح نیست، تقسیم بندی زمانی مهم است بگویی خبری از خبرنگار روزنامه گیان در اراک که روزنامه می‌رسد که خرس دخترت را از آبادی نزدیک شهر نزدیده و در دامنه کوه تار غی نگه داشته است. دکتر صبحان زاده نامتو میدهد مرکب از یک محمدمطوری، يك عباس و شیخ مصطفی رحمتی، به محل عزیمت کنند و دنبال کنند، چرا که خبر نامر و جنجال برانگیز است. در اراک خبرنگار میگوید این خبر را من از روستائی های فلانجا شنیده‌ام، تازه منم آنستامی‌بوند به محل روستائی که نشان داده است. اما نیست می‌گویند که این خبر از بروجرد رسید، و شش ماه پیش اتفاق افتاده، می‌بوند بوجرد با کلک نمانیده، در ا پنا می‌کنند و به سر می‌روند. آنجا معلوم میشود شمر این نیست و واقعه دیگری است که حکومت با تمام قدرت ارضی در کشور در این روستا که به یکی از خانههای بزرگ تعلق داشت و یک نفر بزرگش بود و از رادبو حرفتائی شنیده بود با چند نفر دیگر سراساپ درباره آنچه شنیده بود بحث می‌کنند. خبر به ارباب مرشد، دستور میدهد، دم گویب، او را که با جوالی آمد، به توتی ازجولو خانه اربابی رد شده، بخون خانه بکشد و من ستون دهلخیز خانه آویزان کند و آسبابان را آتقور میزنند که زیر ضربات می‌میرد، در این ماجرا موماروی اندام هم حضور می‌کند، شکر داشته اند. همان شبه لاشه آسبابان را در گوشه قبرستان چال می‌کنند و روستی را می‌باشند و جوال آرد را هم می‌سزد وسط بیابان، يك جائی رها می‌کنند. روز بعد معلوم میشود آسبابان که شکر داشت و هرجا می‌گردند از آن خبری پیدا نمی‌کنند تا بالاخره، قمر تازه را می‌کنند و جوال را کشت می‌روند. زاناداری با تهدید خانواده مقتول سعی می‌کند رگی جنایت را بوشاند، کسی از خوشان آسبابان در شهر موضوع را دنبال می‌کند. یاربیرین به محل می‌آید، و یونده قتل تشکیل میشود. زاناداری برای آرخانواده مقتول را بازداشت می‌کند که اینها در قتل داسوسد ناشتاند. دادگستری با فشار فرماندار و سازمان امنیت

تن دادند به نزدیک شدن به روحانیت مذهبی، و رفتند بطرف پیوند زدن با مذهب و در همین مسیر حلالا می‌رسیم به نقطه طریقی. خوب دوران خیزش مبارزه بود و یقین يك سازمان مارکسیستی اگر در ایران وجود می‌داشت به تشکیلات مارکسیستی، خیلی مسائل فرق می‌کرد. منتها دیگر در ایران تشکیلات مارکسیستی نبود و تنها چیزی که رهبریات ادای رهبری حزب مارکسیستی را داشت از بنیاد بهم ریخته بود و زیر آوار نمانده بود، افراد بارگنده دارای تفکر مارکسیستی بودند ولی در مبارزهای اصلاحی و باصلاح اعتراضی از گوشه و نقی فعالی نداشتند و نمی‌توانستند داشته باشند. نتیجه این شد که خانها و ملاکینی که تا دیروز طبقه حاکم را تشکیل می‌دادند حالا بعنوان اپوزیسیون شریک روشنگران در مبارزه با به صحنه گانگشتند و ایسن حضور يك چنان حضور منشویی بود که انگات شاه را در سرکوب حوادث بطوری که بعد خواهد دیدم بسیار تقویت کرد. بحث برای کشور ما از آنجا تنها این نبود که باید اصلاحات ارضی بشود بلکه اینهم بود که در نظامی که در طول تاریخ مدافع مالکیت ارضی بزرگ در ایران بوده هم باید ساقت بشود و پایه اصلی ایسن نظام خود شاه بود و بعد روحانیت، حالا او باقتیر موضع و جابجاشدن، جای قرار گرفته بود که بنسبوان مظهر اصلاح طلبی در ایران عمل می‌کرد و کاتیکه پایه حکومتی را تا دیروز تشکیل می‌دادند به اپوزیسیون که ۱۰ سال بود زیر پاشنه آهمنی کودتا له و لورمده شده بود، می‌بستند، انقلابی خالی از محتوی و بسیار ساده - لوحانه که به انحرافات معدی کشید، صورت گرفت و کاتیکه بر ۲۸ مرداد سال ۲۲ در حمایت از شاه در برابر مردم ایستاد یعنی روحانیت قم به به صحنه مبارزه با شاه می‌بوشند. این مراحل به این سادگی پیش نیامد زمان زمان برترجری بود و خیلی وقایع پیش آمد. نکته ظریف اینست که با اینکه دوره دکتر امینی ظاهرا فضای تنفسی برای مطبوعات بود و دلیل این فضای تنفسی آن بود که تشادهای داخل طبقه حاکمه تشدید نشده بود و مطبوعات می‌توانستند کم و بیش در فضای سیاسی حضور پیدا کنند و به این اعتبار میشد حرفتائی را، اما به موازاتش در همان زمانها به شدت موابط بوند مطبوعاتی را که بوی چپ میداد، تعطیل کنند، و مانع انتشار روزنامه یا مجله "مکتوب" شوند. در همین زمان روزنامه‌ای بنام آذربایجان منتشر میشد که با سردبیرش آشنائی داشتیم و من شمرستی دربارم "انقلاب سفید" رو آنجا دارم که ضوون اینست!

این دوره که از دوکش های کاخ بزرگ بلند شده و به آسمان می‌رود شعله آتششان نیست دود آتیزخانه کاخ است. انقلاب ضمون و محتوای خوبی را دارد. انقلاب که سرگیری که می‌بوشاند. هرچه کاخ است و صفا انحرافهای که می‌بوشاند. هرچه کاخ است فروسخود و هرچه کوخ است و بران میشود. و تاکید روی اینکه چشمانمان را باز کند این سروسدا، انقلاب نیست. این روزنامه را بعد از مدتی انتشارش را لنو کردند. ماحصل شرایط زمانی طوری بود که يك فضای تنفسی در هر صورت داشتیم و این فضای تنفسی توی روزنامه‌ها بخوبی وجود داشت، باآنکه در دوره دکتر امینی نبود که نماینده‌های سانسور، تا هیات تجربه روزنامه‌ها،

عمومی متوجه شدن که رئیس جمهور آمریکا عوض شده است و با تغییر او، پیونده ما هم بسته شد. این آقا الان در ایران هست، برپروسی است، در آن زمان و باین شرایط تنها جبهه ملی فعال بود که بنابر خاستگاه طبقاتیش توانست از موقعیت استفاده کند، جبهه ملی باید ابتکار اصلاحات ارضی را بدست می‌گرفت و نمی‌گذاشت شاه نقی صلح اجتماعی را بعهده بگیرد، اما شروع کرد به مخالفت با تزهائیکه اصالتا روشنفکرانه بود، اصالتا آرزویخانه بود، اصالتا دموکراتیک بود ولی بدست کسی افتاده بود که میخواست از آنها علیه حقوق مردم و آزادی حاکمیت ملی استفاده کند. از آزادی زن، آزادی سالن و ویتزین بوجهود بی‌پایرد نه آزادی برای زن ستمدیده و محروم ایرانی. همین راه را، در ظاهر به نافع از حقوق کار و ترویج سندیگ - لبم، در نحوه اجرای اصلاحات ارضی، و دیگر شئون اجتماعی بروی شاه بازکرد. ابتکار اجرای برنامه اصلاحات ارضی که بدست شاه افتاد جاهائی که مضمول اصلاحات ارضی نشد اطلاق شاه و خانوادنانی بود. اصلاح نخست وزیر امینی بود و اطلاق اصلاح علم بود و از این قبیل. علاوه براین اصلاحات ارضی دروازنی شد برای شاه که از طریق اجرای برنامه اصلاحات ارضی ملی اعلام کردن منابع طبیعی کشور آن قسمت از منابع طبیعی کشور را که پشش نتوانست به به مالکیت خودش دربیاید دست رویش بگذارد و این بعدها کاملا در مازندران و سایر مناطق شهید بود و به چشم می‌آمد. قیامل و وقتی که در سال ۲۶ دولت شروع کرد به فروش جنگلهای مرده در شمال، واین جنگلهای مرده در شمال جنگلهائی بودند که اغلب در تصرف خانها و فئودالیهای منطقه بودند و دولت ملی اصلاح کرد بود اما خندهدار اینست که آنچه را که برای آباد کردن این جنگلهای مرده، دولت به مردم می‌فروخت ویول می‌گرفت و سند رسمی میداد و تکیه می‌گرفتند برای سرمایه‌گذاری و آباد کردن محل، سرو گله يك اناره نظامی پیدا میشد که سرهنگان در راس آن بود و بمشوان نمانبده املاک پهلوی اتنا می‌کرد این قطعه که دولت بشما فروخته، متعلق به شخصی رشامه بوده و ملک ویروسا پهلوی است و از آنها متصاب با محل، مطالبه متری ۵ ریال تا ۲۵ ریال حق خاصه ورثه پهلوی را می‌کند، و بعد از وصول گواهی بعنوان انتقال، میداد! آدمیکه مدعی اجرای برنامه اصلاحات ارضی بود، يك چنین حقی در منابع طبیعی ملی شده برای خودش بوجهود آتی بود. این يك گوشه از ماجرای اصلاحات ارضی شاه بود. بحث در کل ماجرا، موضوع دیگریست. از طرف دیگر این خطای اندیشه و خطای انتخاب موضع در آن شرایط راه را برای حضور ارتجاعی خطرناکتر از شاه در ایران هموار کرده بود و آن ارتجاع مذهبی بود، اگر شما دقت کنید اعلامیهای که خمینی داد علیه شاه، علیه شاه نبود. علیه ۲ اصل از اصولی بود که شاه به نام انقلاب سفید خود طرح کرده بود. ۱- اصلاحات ارضی که خمینی میگفت به حرم حقوق مالکیت که حقوق شناخته شده الهی و اسلامی هست تخطی شده و دوم به مسئله آزادی زن و حقوق برابرزی زن با مرد. مسئله خمینی با شاه این بود بود روشنفکران روی صحنه نازل از آنچه بدست این شعارها هست

در نخستین

سالگرد خاموشی "محبوبی"

از طرف کانون نویسندگان ایران (در تبعید امرا) -
سه در نخستین سالگرد خاموشی محبوس طرز نویس و
چهره سرشناس مطبوعات ایران، در تاریخ ۸ سپتامبر
در لندن برگزار شد. رشا مریزان تحت عنوان "نقش
مطبوعات در دفاع از آزادی" سخنرانی کرد. اومبسا،
شاهستان و خرسندی نیز در این شب برنامه‌هایی اجرا
کردند.



من آن پیکری روان شدم
مرالم گیسیم، آن شدم
که من زنده در پیکر مردم
اگر چند روز داشتم غم

منوچهر محبوبی

طرز نویس

۱۳۶۸-۱۳۱۵

اگر امینی نباشد ۴۲ میلیون دلار پرداخت نشود این
خلی نزدیک تراست حتی از موقعیکه خوب برنامه را
داده و برنامه‌های رانثا قبول کرده‌اند که اجرا بشود،
اینجا دفاع مستقیم از يك عامل است منتها توجهی که
آختر طرف میشود يك توجه شخصی نیست توجه طبقاتی
است و بطور کلی بیکر و سچای طبقه حاکم است در
ایران. کاشیکه در بالا نشسته بودند اینطور خودشان
را توجه می‌کردند، بهرحال در این مراحل بود که سه
تکراری پیش آمد البته خیلی مسائل فراوان بود. ایران
زمان برواقعه و برحادثه بوده و به یقین چیزهایی
فراوان آدمی مثل بختیار را که نظهر ستم و شگجه
بود و در موضع طبقاتی مالکتهای بزرگ هم فرجه داشت
از سر سازمان امنیت برناشدند و مرضی گرفت و اجازه
گرفت و به اروپا رفت. بختیار زمانی از ایران رفت
که بعد از چند ماه هم دکتر امینی رفت شاه به
خواهی امینی بختیار را از کار برداشت و بعد سه
خواهی خوش امینی را گذاشت کار یعنی مانیمن
کومنتاری را از بیخ و میرهانش که قابل اعتنا بود
پاک کرد. کابینه علم تشکیل شد اما حسن ارسنجانی
بعنوان عامل مغز متفکر برنامه اصلاحات ارضی باقی
ماند. بعد جای ارسنجانی را در کابینه‌های بعد از علم
توابع سازمان امنیت گرفتند. اولین جاشین ارسنجانی
سپهد ریاحی بود که وزیر کشاورزی شد و معاونت یک
سرگرد سازمان امنیت بود که زیر پوشش سپهد عامل
اصلی وزارت خانه بود. سرگرد ولیان اسیری خسن و
گنجاخ بود در وزارت کشاورزی. بعد تجزیه شد و به
وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی تغییر نام
داد. به این صورت جلو رفت تا مرحله سرتویی رسید
و وزیر شد و بعد از ۷-۸ سال وزارت به استناداری
خراسان رفت. امینی رفت و برنامه اصلاحات ارضی دنبال
شد و شاه، ارسنجانی را تا جانتان برنامه اصلاحات
ارضی نگاهداشت و بعد ارسنجانی سفر ایران تابلیا
شد. یکسال هم برگشت با بهاری قلبی برگشت اما شاه
اجازه نداد برای بیماری برود به خارج تا سکنه کرد و
مرد ۲ سال بعد این حاصل سرتوش یک روزنامه
نویس پرارزش بود. ارسنجانی مسافانه روزنامه نویسی
بزرگ در خدمت ارتجاع ایران بود. اینکه میگویم بزرگ،
عنت نمیکوم، کافیتس دوره روزنامه دارا را ببینید
و مرور کنید و به ببینید چقدر خوب بود اگر در خدمت
مردم ایران قرار میگرفت و چقدر بد شد که به انحراف
کشانده شد. ارسنجانی در ارتباط با طبقه حاکمه ایران
جنس حالتی داشت: او از نزدیکترین دوستان سلطانی
نابانده معروف بهمان بود که از ارگان محافظه کاران
پارلمان بود در حکومت بعد از ۱۳۲۰. خندیم که
سال ۲۱ ارسنجانی کابینال مارکس را بنام "راس المال"
(عربی کابینال: سرمایه) زیر بنفش بزد و سرت هفت
ای دو روز صحفا در خانه سلطانی و سلطانی
کتاب راس المال را بخوانند. ایران ارتباط نگذاشت با
طبقه حاکمه سعی میکند به آنها نشان بدهد که کجا
عسند، و زمان کحاست. من عنوان یک روزنامه نویسی
با این چشم ارسنجانی را ندیدم و اس راسحا اضافه
کم که ارسنجانی وقتی که به کاسنه رفت معروف بود
از دولت حقوق نمگورد برای اینکه شایر حقوقی بود
کسانی شد آمریکا در آفریقا بود.

ادامه دارد

برونده را بایگانی میکند و بعد کسانی که امنیت از
این واقعه باخبر شدند از طرف سازمان امنیت باز-
داشت میشوند. از جمله منصور فریاندراصل عیانت
اترایی روزنامه گیان را وقتیکه به شهر باز میگردد،
توقیف میکنند، و فریاندرا میگوید شاران نمی‌کاریم ارایانجا
بروید مگر اینکه تمهید بسیاری که از آنچه شنیدید-
چیزی به زبان نیابورید. و باگرفت تمهید ارایان آزادشان
میکند و هیات بر میگردد و گزارش سفری را میدهد و دکتر
صباح زاده هم به احترام دوستی بان مالک که سالها
وکیل مجلس بود، گزارش سفر را بایگانی میکند. حکومتی
با این صلات و انسجام سدهفتهای کمیت که اصلاحات
ارضی را انجام میدهد، و ابرارشی هم سازمان امنیت،
زاندراری، فرمانداری و دادگستری است. شاه دیدیکه سه
ارسنجانی اجازه نداد جناب زاندراری را در حومه تهران
در حق تقافتا منتشر کند و میگفت این خبر دهفتا
را علیه مایران من، زاندراری من، و سب تضعیف زاندراری میشود و این همان زاندرار-
بری است که فریاد شاه را اجرا میکند. حدود آزادی
مطبوعات و فضای باز مطبوعات هم ایستد که خبرنگار
سرود جنابان را کشف میکند و میاید ولی گزارش او
منمکی نمیشود. من یکسال بعد از این اتفاق در سندیکا
باخبر شدم، در همین حال همانطور که قنلا عوض کردم در
روزنامه‌ها در دوره دکتر امینی مایران سانسور در هیات
تحریریه نشسته بود چون مسائل دانشگاهی زیاد بود،
برخوردهای شهری زیاد بود و تظاهرات مذهبی زیاد
بود و تظاهرات و فعالیت خاتبا و مالکن بزرگ زیاد
بود و حکومت برای سانسور مطبوعات از نزدیک-
در تحریریه‌ها مایران گذاشته بودند. اغلب این مایسوران
سانسور را هم سازمان امنیت و وزارت اطلاعات از
وزارت فرهنگ درخشن وام گرفته بودند و اضافی باشک
او بودند. خاطره من از این مایورهای سانسور زیاد
است از جمله یکی که سابقه روزنامه نویسی هم داشت،
هر روز خواهش میکرد التماس میکرد و ریش گرو می-
گذاشت که شما که میدانید من نمیفهم، چه کار میکنید،
روزنامه نویس هستم و راه کار را بلیدید، فقط یک
خواهش دارم آن پنجگی که شگارید توی نوشته‌ها که
من نفهم یک کمی پیچیده ترش کنید که آن کسی هم
که بالای سر من نشسته نفهمد و بعد از من باز-
خواست نکند چون من ازتان خوردن مسافتم. دیوانه‌گون
در خدمت وزارت اطلاعات قرار گرفته بودند علاوه بر حقوق
دسری که داشتند بابت ساعت هائی که به سانسور
مطبوعات می‌آوردند روزانه مزد میگرفتند. حتی بعضی از
عمیانتا وکل مجلس هم سندنه -
من از این ویژه تر هم برامان تعریف نمکم
در جریان برخورد شاه و امینی وقتی که شاه زربایش
را محکم کرد و دید که دیگر در خارجه با مالکتهای
بزرگی که قنلا در قوه بقتنه و در حکومت بودند بی-
زقیب شده و متوابع نه ارشش و حکومتی به مائمن
دولتتای تنکه کند جلوی امی اسناد و به آمریکاست
این زیاد است در مقابل آمریکا کرکشی کرد یعنی
دراثرمان ایران سالانه ۱۰ میلیون دلار ۱۲ میلیون
دلار کمک اقتصادی از آمریکا میگرفت برای نامس کسر
سودجه کشور که قنلا با هم محبت کرده‌ام. یکبار
برداخت ۲۴ ملیون دلار را نه ایران حکومت کسندی
نوکول کرد نه اینکه دکتر امینی حست زیر باشد و

پیام دفتر سیاسی به سومین

کنفرانس سازمان خارج از کشور

رفقا :

بنفاسیت برگزاری سومین کنفرانس سازمان خارج از کشور به شما و همه فعالین خارج از کشور درود فرستاده و برای کار کنفرانس آرزوی موفقیت می‌نمایم .

سومین کنفرانس سازمان خارج در شرایطی تشکیک می‌شود که جنبش کمونیستی و کارگری در برابریکی از حادترین بحرانهای سراسر دوره موجودیت خود قرار گرفته است . ما بر آنیم که این بحران ، بحران الگویی معیسی از سویالیسم است که با آنچه بنیان گذاران سویالیسم علمی بعنوان مختصات اصلی جامعه سویالیستی ترسیم نموده بودند فاصله گرفته است . اما این بحران در همان حال شاهد بازاری سویالیسم است که بنویه خسود می‌تواند بدیل ارزنده‌ای از تلفیق آزادی ، عدالت اجتماعی و همبستگی بین‌المللی در برابر نظام پویسده سرمایه‌داری

نهاده و زمینه را برای تقویت جنبش کارگری مساعد سازد . در چنین شرایطی کمونیستهای ایران وظیفه دارندس بازمینی شورلیک را با پیشکار بی‌وقفه علیه رژیم ارتجاعی ولایت فقیه پیوند زنده ، تئوری سویالیسم علمی در طول یک قرن و نیم اخیر توانسته است عظیم‌ترین جنبش اجتماعی در سراسر کیتی را بحرکت در آورد ، بررسی تحول اندیشه در جنبش کارگری گواه این حقیقت است که تکامل تئوری از جمله در دوره‌های بحران همسواره

حاضر نیز باید تمام تلاشی ما در زمینه وظایفی که بحران جنبش کمونیستی در برابرمان قرار میدهد در رابطه تنگاتنگ و غیر قابل کسست مبارزه علیه جمهوری اسلامی و شکل دادن به جنبش کارگری بنیانه ستون اصلی پیکار علیه ارتجاع ولایت فقیه انجام پذیرد . .

کنگره سازمان نیز در متن چنین اوضاعی وظایف حساسی در حال تدارک است . اکنون در سازمان ما همه ابزار ضروری برای شرکت رفا در مباحثات فراهم‌شده است . باید از طریق شرکت فعال و همگانی همه رفا در مباحثات مربوط به کنگره ، اولین کنگره سازمان را بسپه نقطه عطف سهمی برای حرکت آینده‌مان تبدیل سازیم . رفا ، فعالیت در خارج از کشور در شرایطی که

وظایف مرکزی هرچه بیشتر از وظایف کمیته خسارخ از کشور تفکیک می‌شود بیش از هر زمان باید با محیط و وجه مشخصات دوره‌ای که در آن قرار داریم انطباقی یابد روند استقرار و نیروهای خارج از کشور با محیطی که باید در آن فعالیت کمونیستی و انقلابی خود را انجام دهند ادامه دارد . ما این روند را مثبت ارزیابی می‌نمایم و بر آنیم که نیروهای سازمان خارج از کشور باید از همه

امکانسات در دسترس سراسر فسررا - گیری زمان ، تحصیل و کار استفاده نمایند . اما مسلم است که اینهمه باید در خدمت اهداف کمونیستی و انقلابی

سازمان قرار گیرد و بهیچ وجه به محلی برای توجیسه

انفعال و انضباط‌گریزی مبدل نگردد . در عرصه فعالیت در خارج از کشور نیز چند نکته لازم به تاکید است . در شرایط حاضر فعالیت کمونیستی در خارج

رج از کشور توجه ویژه به امر ترویج و شکل دادن به محافس ترویجی را میطلبد . این محافس باید توسط حوزه‌های حزبی سازمان داده شده و به مکانی برای گسترش ارتباط و تساد

فکری زنده با طیف وسیع اما پراکنده سازمان باقیاتسه فعالین چپ تبدیل شود . در چنین ارتباط فعالی است که رفقای سازمان می‌توانند بطور منظم و زنده بر روند

عملکرد بحران کنونی جنبش کمونیستی در میان فعالین چپ منشا اثر شده و حوزه‌های حزبی را به سمت واکنش فعال در قبال تحولات فکری جاری در بین نیروهای

چپ سوق دهند . شی‌یکی از مظاهر هر کار برثمرر در شرایط حاضر عطف توجه به سازمان دهی این محاف

است که باید در شمار وظایف مهم اعضا سازمان خارج قرار گیرد . دوره کنونی تشکلهای عمومی دمکراتیک بعنوان پایگاه تجمع و تشکل و مبارزه سازمان باقیاتسه

برای پشتیبانی از جنبش داخل کشور اهمیت خود را با تدایق و مروج این تشکلهای بوده و باید در دوره خاترنیز

با تمام قوا در جهت ایجاد قوام و گسترش آنها بکوشد . فعالیت بین‌المللی از ستونهای اصلی فعالیت رفقای

سازمان خارج از کشور است . و باید در وجه بنیادین رفا لبت در خارج از کشور تبدیل شود . ما باید فعالانه در مبارزات محل سکونت خود شرکت جست به احزاب ،

سازمانها و محاف مترقی تمام برقرار کرده و حمایت آنها را در دفاع از مبارزات طبقه کارگر و زحمتکسان

ایران و از فعالیتهای سازمان چلب تمامیم و بالاخره ترویج وسیع نشریه مرکزی و انتشارات سازمان از وظایف

مهم هر عضو است که باید مستقلانه مورد تاکید قرار گیرد . ترویج نشریه نه تنها از طریق میزهای کتاب بلکه بسا

بهره‌برداری از همه امکانات و بسوزه ترویج آن توسط رفقای عضو در مناسبات توده‌ای است که می‌تواند گسترش

یابد . رفا ، سازمان ما که با در دوازدهمین سال فعالیت خود نیهاده است همواره خود را مدیون عهداتی می‌داند که از طریق نثار زندگی کرانقدر خود شاهد زنده‌فاداری ما به امر آزادی و سویالیسم بوده‌اند . ما یاد و خاطره جاودشان با الهام از عهد خونشان بی‌یکبار بخروشان

را تا روز فرخنده آزادی و تاسا سویالیسم این غریب‌ترین آرمان بشری می‌خواهیم گرفت !

یک اقدام جنایتکارانه

خاتم عفت قاضی فرزند قاضی محمد بنیانگزار جمهوری آزاد مهاباد ، دستامیر در شهر ۲۰: ۷۲۴۴ سوئد بر اثر انفجار بمب باکتی به شهادت رسید . در واقع هدف اصلی ترور ، امیر قاضی شوهر عفت قاضی یکی از رهبران سابق حزب دمکرات کردستان ایران بود . بسا پیش تصاویر این فاجعه و مصاحبه با امیر قاضی برخی دیگر از نزدیکان شهید موسیله رادو تلویزیون سوئد دیگر جای هیچگونه شکی برای افکار عمومی سوئد باقی نماند ، که این جنایت را مزدوران جمهوری اسلامی در سفارت ایران در استکهلم سازماندهی کرده‌اند . روز ۲۲ سپتامبر گروه‌های وسیعی از ایرانیان از شهرهای اطراف به شهر ۲۰: ۷۲۴۴ آمده بودند تا ضمن ابراز تازار عمیق از این جنایت مراتب معذردی خود را با خانواده شهید اعلام کنند . جمعیتی بالغ بر هزار نفر با صفوف منظم و دسته گل‌های متعدد در حرکت بودند . طبل‌ها آهنگ عزای می‌نواختند و دو دختر شهید عفت قاضی همراه با پدرشان در شبایف عطف حرکت میکردند و ایسن حالت تاسف و تأثر همه بینندگان را برمی‌انگیخت و کینه‌شان را علیه جنایتکارانی که بشیرمانه دست بسه اقداماتی چنین شد انسانی میزنند ، عمیق‌تر میکرد .



جهل تاریکی است

جهل تاریکی است
تاریکی مرگ -

(زیر خورشید خورشید بر خاک
سادی را ، گل مریم شد
و غم ، کم شد
کم شد
کم شد .)

بشت این پنجره در تاریکی
مثل این است که از شاخه گلی می‌چینند
گوش کن می‌شوی ؟

جهل تاریکی است
تاریکی مرگ



درود بر خاطره همیشه جاوید شهیدای راه آزادی و سویالیسم
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی زنده باد سویالیسم
دفتر سیاسی - ۵ شهریور ۱۳۶۹

گزارشی از سمینار زنان

سمینار تشکلهای زنان از تاریخ ۲۲ تا ۲۴ سپتامبر در شهر هانوفر آلمان در حال برگزاری است. شرکت کنندگان در سمینار اساساً از فعالین تشکلهای زنان در برخی از کشورهای آلمان اتریش و هلند بودند. تعدادی از زنان که حضور یافته فعالیت میکنند نیز در سمینار شرکت داشتند. «تم سمینار» بررسی بحران در جنبش فمینیستی زنان ایرانی در خارج از کشور را اعلام شده بود. در مورد تم سمینار برخی بر آن بودند که اطلاق بحران به وضعیت کنونی فعالیت زنان و یک اوضاعی نیست، بلکه درست تر آنست که از «رکود فعالیت» در جنبش زنان ایرانی در خارج از کشور نام برده شود. این سخن گرایش اعتقاد داشت که فعالین زن نتوانستند پیوندهای لازم را با زنان ایرانی در خارج از کشور ایجاد کنند. همچنین قادر نشدند مسائل و مشکلات زنان در داخل کشور را به افکار عمومی کشورهای میزبان خود بیان تاب دهند. بر این امر نیز تأکید شد که فعالیت زنان بلك فعالیت سیاسی است و هر اقدام کوچک و ابتدائی زنان مضمون سیاسی پیدا کرده و مستقیماً با رژیم جمهوری اسلامی درگیر میشود. بلك گرایش دیگر، در سمینار که نسبتاً گرایش ضعیفی بود، فعالیت زنان را عمدتاً بلك فعالیت اجتماعی - فرهنگی خصلت بندی میکرد. اما ماتسانه سمینار جمع بندی جمعی از بحث های خود به عمل نیامد. دلیلش که برای غیر ضروری بودن جمع بندی عنوان شد تنوع نظرات طرح شده در سمینار و عدم امکان جمع بندی مناسب از بحث ها بود. اما اگر این دیگری با این نظر مخالف بود و اعتقاد داشت این کار می تواند صورت پذیرد و لازم است. آنجا که با این نظرموافق بودند جلسه سمینار را ادامه دادند و دلایل رکود فعالیت را جنبش فرمول بندی کردند: - عدم توانایی در منطبق کردن خواسته ها و ایده ها با محیط فعالیت. عدم برنامه ریزی، عدم تجربه و فرهنگ کار جمعی - تائیسر بحران عمومی کشورهای شرق و جنبش ایرانیان در خارج از کشور در جنبش زنان - عدم شور و جوش و آمزش - فعالیتهای فمینیستی، وابستگی سنتی و خانوادگی و تبلیغات منفی علیه تشکلهای زنان در محیط. برای مقابله با وضعیت رکود پیشین داده های این صورت مطرح شد: در آوردن نشریه برابری بمنظور آموزش و بشروان جنبش زنان - کار و ارتباط گری با سازمانهای غیر ایرانی - مبارزه جهت برسمیت شناختن حق بنا هندیکی زنان بدلیل تبعیضات جنسی - کارشور بلك و تحقیقی در زمینه مسائل و موضوعات زنان و مطرح کردن مسائل زنان ایران در مجامع بین المللی.

تم سمینار آئینه چهل و دو محور تعیین شد. ۱ - عمل جدائی مادر خارج از کشور. ۲ - رابطه شعور جنسی و فمینیسم با آن. همچنین قرار شد که سمینار بعدی در هلند برگزار شود.

يك خبر ورزشی

در دومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی کمیته ورزشی "شورای بنا هندگان و آوارگان ایرانی پاکستان - کراچی" اقدام به برگزاری يك دوره مسابقات فوتبال كل كوچك تحت عنوان "بسا دواره شهدا" و در حمایت از زندانیان سیاسی در بندها شركت تعدادی از بنا هندگان كرد.

در این رقابتها ۱۰ تیم از بنا هندگان ایرانی و دو تیم از پاکستان شركت داشتند. در پایان جوایز این دوره از باربها توسط کمیته ورزشی شورای بنا هندگان اهدا گردید.

معرفی کتاب

غوغای سکوت

زبان

بر آنچه به گویش مجاز نیست

می چرخد

گوشت

کلام نگاشته می شود

و چشم

کلام نانوشت می خواند.

سکوت

مصلحتی است

تا بیگانه خیال نکند

کلام دوستی ما با اوست.

ورنه، جهان من

همه

آن غوغاست،

که تمام شب

ماه

با دسته های ستاره تکرار می کند.

۴ پیوند

"مزمه های گم"، شعرهای کوتاه "محمود فلکی"، توسط انتشارات نوید منتشر شد. این کتاب که در قطع جیبی منتشر شده است شامل شعرهای "ماشقانه ها"، "غریبانه ها" و "گانه ها" است - از غریبانه ها شب بخواب - نم، برای با تو بودن کلهای قالی اتاقم را می پیمای و وطن، کلهای قالی چه خوبند که آب نمی جویند، چرا که سیراب دستهای آشنای دوردن * * *

غزیت

کلدان کوچکی است

میزبان درختی بزرگ

از محمود فلکی بیش از این منتشر شده است: تجارت برده (ترجمه)، اثر آن مانتفیلد. تهران ۱۳۵۷. خانه بسیر پیگر گندم (شعر)، تهران ۱۳۵۷. انسان آرزوی بر نیامده (شعر)، آلمان غربی ۱۳۶۶. پرواز در چاه (داستان)، آلمان غربی ۱۳۶۶. موسیقی در شعر سبید فارسی (پژوهشی)، آلمان غربی ۱۳۶۸. برای فلکی در کارهای هنری - آرزوی موفقیت داریم.

—————*—————

از م پیوند، "در شبانه بی خویش" منتشر شد. در شبانه بی خویش: مجموعه اشعار م پیوند است که شعر - های سالهای ۶۷ تا ۶۹ او را در برمیگیرد. این کتاب با طرحیابی از اسفند داوری توسط انتشارات "ندا" در بهار ۶۹ منتشر شده است.

"اگر که باید تسخیرم کنی" (ترجمه)، اثر بریتش نادی شاعر هندی. پاریس ۱۳۶۶. ترانه ماه (شعر) پاکستان ۶۸. کبابها و دانه ها تابستان ۶۸. از کارهای پیشین م پیوند هستند. همچنان در اشتیاق تداوم نشر بخش فعالتهای هنری او هستیم.



زنان تیراندا را ایرانی در مسابقات آسیایی پکن!

اطلاعیه مشترک

سازمان فدائیان - کمیته خارج کشور
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خارج کشور

نور جوانبکارانه ملی گانه پیروز را محکوم می کنیم

مهرشان!

دشمنهای انبوه به من جمهوری اسلامی را به سرکشان راه آزادی و دموکراسی در ایران
را کمرت و این مار خلیگ گانگشپور همو کشته مرکزی مرده مکررات کردستان ایران زهری انقلابی و مستول
منطقه شمال کردستان که برای دشمنان اسوا داده است ترکمه کرده بود. هدف شوروسم مردوران رژیم محمبوسری
اسلامی قرار گرفت.

سرتیق گرانیشیای دریا مات شده در سینه شنبه رانسه ۲۲ مردانه ۱۳۶۹، سفر که دو نفر از آنها و سایر
پلیس ترکمه را سرش داشته، علی گانگشپور را از سره اسوا داده شرویدسو روز سده، صد وی درمالیکه آشار
کنگمه سران بود و کللهای بی سرش تلیک شده بود. در ماه فوسه به اسکارا باخته شده
این جنایت راسی در خارج از کشور روسی منطقه که ما شین شروع جمهوری اسلامی در داخل کشور نیز مثال -
تر شده و خبر چند شروع و دستگیریهای متعدد در شهرهای مختلف ایران دریا مات شده است.

درگرامگرم بحران طلیخ ما روسی و درمالیکه حیولی حکم سروران منطقه درمکت است. رژیم جمهوری اسلامی
با استفاده از شراب و پدیده و مخلوط شدن سو - حراسان به رویه ادعای منطقه، بی شمار و امتناعی ماکر
سرمافه سرکوب شده و سیاست دستگیری و شروع شهرهای سیاسی را کشت سخته شده است.
در شما می موارد شروع سرورها و رهبران اپورسوسون رژیم حاکم بر ایران در کشورهای ماری ایگنسر
عده الرحمن فاسلو، محمدالله نادری و سیم سنکتر در اطرش، سیمس موانی دو نرسی، مدقنق کناگنسر در
کردستان عراق - کاظم دروی در سوشی (۴۰۰۰) - سیشلی و سیاست مگوت حکومت ها و پلیس کشوری را سرور در
سراسر عالیجنهای شوروشی مردوران رژیم، یکی از عوامل مهمی است که امکان گسترش این شروع را برای
جمهوری اسلامی فراهم کرده و آسرا برای فعالیتات شوروشی سدی شوقی سموده است.
ما من محکوم نشودن شروع حنا پکارانه علی گانگشپور و شوروسم دولتی رژیم جمهوری اسلامی، از
همه ما مع سبن اسلملی سیموا هم که دولت ترکمه را تحت فشار قرار دهنده است دوو از باج دهنهای رژیم
جمهوری اسلامی و خارج از روسا سلساسی - انشعاری سبن دولتی - اساد - سرولطه به اس ثابت و مولی - سرطس
با آن را سوی مردم جهان افشا ساید.

مهرشان! سرورهای مترنی و انقلابی!

در جهت افشای هرچه بیشتر حجابات رژیم جمهوری اسلامی و سیخ افکار سوسی مردم و سرورهای دمکرات
و مترنی کشورهای ماری و ایراد فشار به حکومت اسن کشورها در جهت خودداری از همکاری با رژیم جمهوری
اسلامی سمنوان اولسین کام در راه مبارزه موثر با سیاستهای شوروشی رژیم، ملوف خودرا انشوده تر ساریم.

علیه شوروسم رژیم جمهوری اسلامی سیاخریم

سرگوم باد جمهوری اسلامی! سرقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

۱۳۶۹/۸/۱۷ = ۱۹۹۰/۸/۱۷

تظاهرات ایستاده



روز شنبه ۲۹ سبنامر سبناسبت سالگرد ناجمه
اعنام زندانیان سیاسی در ایران، تظاهرات ایستادهای در
برابر کلیسای مرکزی شهر کلن برگزار گردید. اسبنس
نظاهارات که سبن از ۲۰۰ تن از خانواددهای زندانیان
سیاسی و ایرانیان مقیم کلن در آن شرکت داشتند،
بدعوت حمیت دفاع از زندانیان سیاسی در کلن برگزار

شد. شرکت کنندگان ضمن حل گسها و نامهای شهیدی
اعنامی دستجمعی و بلاکاردهائی تر افشای رژیم
جنایتکار شوروشی اسلامی، خواهان آزادی زندانیان سیاسی
و توقف دستگیری و اعنام در ایران بودند. این تظاهرات
با استقبال مردم محل روسو گردید.

اطلاعیه برگزاری

کنفرانس سوم سازمان خارج از کشور

در اواسط شهریور ماه گذشته سومین کنفرانس سازمان
خارج از کشور برگزار شد. در این زمانه که سه روز سبه
درازا کشید پیش نویسی اسناد ارائه شده از طرف کمیته
خارج از کشور مورد بحث و نقد و بررسی نمایندگان
منتخب حوزهها قرار گرفت و با اصلاحات و اضافاتی سبه
تصویب رسید. در روز آخر، کنفرانس کمیته خارج جدید
را انتخاب کرد و با خواندن سرود انترناسیونال به کسار
خود پایان داد.

مبناسبت برگزاری کنفرانس سوم و اشتغالات مربوط
به تدارک آن و تغییرات ناشی از سازماندهی جدید کارها،
انتشار پیام کارگر در ماه شهریور مقذور نگردید. از این
سب پیام کارگر مطابق روال گذشته، هربانزده روز و یکبار
منتشر خواهد شد.

کمیته خارج از کشور
۱۳ شهریور ۱۳۶۹



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران در ده افرا

برنامه های سراسری صدای کارگر:

هرشب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه
ردیف ۷۵ متربرابر ۲ مگاهرتز پخش میشود.
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روزیبه تکرار
میکرد.

جمعه های برنامه ویژه پخش میشود.

برنامه های صدای کارگریه کردستان:

پژوههای شنبه، در شنبه چهارشنبه ساعت
۶ بعدازظهر به زبان کردی و فارسی روی موج
کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۲ مگاهرتز پخش
میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.
پژ جمعه ها ساعت ۱ صبح برنامه ویژه
پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعدازظهر
جمعه تکرار میشود.

Postfach 650226

1 BERLIN 65

Postfach 1124

5200 Siegburg 1

W. Germany